

امه
مردم
کان مرکزی ضرب توده ایران

هفتم، سال دوم، شماره ۳۲۲
شنبه ۲۹ مرداد ۱۳۵۹، بهار ۱۵: ۱۵ ریال

ولت جدید

حل مسائل اقتصادی - اجتماعی

اگر گزافی نخواهد بود، اگر که عمده ترین وظیفه دراز - لاینه جدید، پرداختن به حل اقتصادی - اجتماعی پس از است. دوران گذار پس از پیش از آن طولانی شده، این تصمیم گیری و اجرای انقلابی را در زمینه تغییرات اقتصادی - اجتماعی به توفیق انداخت. به سخی می توان گفت اکنون دیگر همه شرایط برای آوردن توفیق مردم ایران در زمینه تحولات اقتصادی و اجتماعی فراهم است. هم قانون مادر سه قانون اساسی جمهوری اسلامی و هم ارگانهای حاکمیت - انتخابات رئیس جمهوری، تشکیل مجلس از تصویب عمومی گذشته و ایجاد شده اند. تاخیری که در تشکیل کابینه وجود داشت، گرچه با گذشتن و ولی بهر حال ازمیان برداشته شد و با معرفی نخست وزیر و رای تمایل مجلس به نخست وزیری آقای رجائی، مشکلات موجود در سر راه دولت نیز ازمیان برداشته شد. اکنون مسئله معرفی هیئت دولت به مجلس

در انتظار عمل قاطع و سریع هیئت نظری دهقانان چشم بر اهاند

اصلاحات ارضی، یعنی ریشه کن کردن بساط بزرگ مالکی و استعمار و حشیانه اربابان، دارد وارد مرحله عملی حساس خود میشود. میلیونها دهقان زحمتکش ایرانی، که انقلاب ایران را - همچنانکه امام خمینی گفته است - انقلاب مستضعفین علیه مستکبرین میدانند، منتظرند که با انجام اصلاحات ارضی واقعی صاحب زمین بشوند. دهقانان، در زمان شاه منفور، ۱۵ سال تبلیغات دروغ درباره «اصلاحات ارضی» شنیده اند و حالا دیگر بعد از انقلاب امیدوارند که در واقع آنچه منتظرش بودند، فرابرسد، یعنی ظلم و غارتگری مالک بزرگت پایان یابد، حق به حقدار و زمین بدهقان برسد، کشاورزی شکوفان و ده آباد و زندگی بهتر شود. بقیه در صفحه ۴

به هوش باشیم که امپریالیسم تجاوز کار امریکا در راه است

چند روز پیش امام خمینی از آن سخن گفتند و آیت اله دکتر بهشتی، رئیس دیوان عالی کشور در آخرین مصاحبه مطبوعاتی خود در آن باره گفت: «اطلاعات کافی درباره این توطئه بدست ما رسیده است و کسانی که باید این اطلاعات را تعقیب کنند، دارند تعقیب میکنند.» این توطئه حلقه دیگری از حلقات زنجیر توطئه های امپریالیستی بر ضد نظام جمهوری اسلامی ایران است، که باید بزم امپریالیسم، انقلاب ایران را در خون غرق کند و رژیمی بر سر کار آورد که حافظ منافع ملی آمریکا در ایران و منطقه باشد. کمیته مرکزی حزب توده ایران، چند روز پس از توطئه نافرجام همدان، زیر عنوان «ما هشدار می دهیم» تاکید کرد که: «... توطئه خطرناک جدیدی از داخل و خارج در شرف تکوین است. در این توطئه پیش بینی شده

توطئه ای خطرناک، با ایسادی وسیع، از سوی امپریالیسم آمریکا و متحدانش علیه انقلاب ایران، در آخرین مراحل تدارک است. روزنامه نگار آمریکائی چک اندرسن، در مقاله ای برای روزنامه «واشنگتن پست» پرده از این توطئه برداشته و نوشته است: «نظامیان آمریکا طرحی برای یک حمله گسترده و قوی نظامی علیه ایران، برای کارتر تهیه دیده اند. این عملیات ظاهراً برای نجات گروگانها تنظیم شده است، اما در واقع برای تلافی شکست نظامی آمریکا در طیس و کسب حیثیت کارتر است... برای اجرای طرح حمله به ایران سه مرحله کنترل وجود دارد، که کارتر تاکنون فقط مرحله اول را پشت سر گذارده است.» این همان توطئه بزرگی است که

حملات ضد انقلاب به دهکده های فروش کتاب ادامه دارد!

در چند روز اخیر حملات عناصر ضد انقلابی به دهکده های فروش کتاب در جلوی دانشگاه و مناطق اطراف آن، شدت روز افزون و نگرانی آوری پیدا کرده است. طبق اطلاع موقت عده ای از عناصر فتنه انگیز کتابفروشی ما را تهدید کرده اند که در صورت ادامه فروش کتابها و نشریات مترقی، کتابهای آنها را به آتش خواهند کشید. در این میان گروه های باوثیستی و دیگر گروه های هرج و مرج طلب چپ نما نیز با پخش برخی نشریات آشکارا تحریک آمیز، بهانه های ظاهر پسند به دست ضد انقلاب می دهند. این اعمال تحریک آمیز باید به عنوان یکی از حلقه های زنجیره عملیات خطرناک در جهت ایجاد تشنج، درگیری و تفرقه نیروها برای فراهم کردن زمینه تحقق توطئه بزرگ ضد انقلاب علیه جمهوری اسلامی ایران، که مقامات مسئول واقفیت تدارک وسیع آنها تایید کرده اند، تلقی شود. ما از مقامات مسئول کشور می طلبیم که برای عقیم گذاشتن این حملات تشنج آمیز و جلوگیری از تحقق توطئه وسیع تر کتابسوزی تدابیر فوری و جدی اتخاذ کنند.

برژنف و تسدنبال تجاوز امپریالیسم آمریکا به ایران را محکوم کردند

برژنف و تسدنبال، رهبران اتحاد شوروی و مغولستان، در دیداری در کریمه، مناسبات میان دو کشور و مهم ترین مسائل بین المللی را بررسی کردند. آنها یادآور شدند که همکاری میان دو کشور در همه زمینه ها توسعه می یابد و در گستره بین المللی بویژه به مسائل قاره آسیا پرداختند. برژنف و تسدنبال اعلام داشتند: «امپریالیستهای آمریکا و برتری جوان چین جو آسیا را سه می سازند و میکوشند تا وخامت اوضاع را حفظ کنند و دامن زنند. نمونه های این تلاش را در بحران دیرینه خاورمیانه، در تشنجات یرامون ایران، در دسیسه های علیه افغانستان و فشار نظامی گستاخانه علیه کشورهای هندوچین مشاهده میکنیم. اتحاد شوروی و مغولستان خواهان عادی شدن اوضاع و استقرار روابط حسن مجاورت در سراسر آسیا هستند. در بیانیه مشترک اتحاد شوروی و مغولستان گفته میشود: «آسیا نیز، مانند اروپا و دیگر مناطق جهان، به آرامش نیاز دارد.»

همکاری فعال امپریالیسم انگلستان با امپریالیسم آمریکا بر ضد انقلاب ایران

پیل عملی سفارت انگلستان در ایران از نمونه های این همکاری فعال است

تعطیل عملی سفارتخانه انگلستان در ایران یکی از مظاهر همین سیاست واحد آنان در روبروئی با انقلاب ایران است. البته انگلیسها کوشیده اند این سیاست خود را با ظرافت و حيله اعمال کنند و به مخالفت با ایران تظاهر نکنند، تا بتوانند به انقلاب، بخصوص از داخل بهتر ضربه بزنند، و امروز که آشکارا وارد میدان شده اند و بیش از پیش چهره کریمه امپریالیسم بریتانیا را آشکارا ظاهر میسازند، باید در زیر کاسه نیم کاسه خطرناکی وجود داشته باشد. چنانکه مطبوعات خارجی و همچنین مقامات عالی رتبه جمهوری اسلامی ایران بارها متذکر شده اند، توطئه عظیمی بر ضد ایران، با شرکت تمام نیروهای ارتجاعی منطقه و دولتهای بزرگ امپریالیستی در شرف تکوین است. هدف این توطئه جدا کردن بخشی از ایران، ایجاد یک حکومت قلابی در آن و سپس گستردن قلمرو این حکومت به تمام ایران است. امپریالیستهای آمریکائی و انگلیسی مدتها روی این نقشه کار کرده اند و عناصر آنرا، که بخشی از آن ایرانی و بخشی دیگر خارجی است آماده کرده اند و اکنون میخواهند آنرا پیاده کنند. در این شرایط، اگر امپریالیستهای بریتانیا با کشور ما روابط سیاسی نداشته باشند، بهتر میتواند با دولت «آینده» همکاری کنند. تمام نشانه های دیگر نیز اثبات میکند که امپریالیسم بریتانیا سیاست ظاهری که دارمیریز خود را نسبت به ایران تغییر داده و به سیاست آمریکایی اعمال زور آشکار پیوسته است. اعزام ناوهای جنگی به خلیج فارس، طرز رفتار با دانشجویان ایرانی مقیم انگلستان، شرکت در محاصره اقتصادی در تمام مواردیکه میتواند به احیای اقتصادی ایران لطمه زند، ملاقات اخیر سفیر انگلستان با رئیس مجلس شورای اسلامی - همراه چند سفیر دیگر - برای اعمال فشار در مسئله باصلاح گروگانها و بالاخره تعطیل عملی سفارت در ایران نشان میدهد که انگلیسها در توطئه وسیعی که علیه ایران در شرف تکوین است، نقش فعالی بعهده گرفته اند. مردم ایران باید برای درهم شکستن این توطئه ها آماده باشند، اتحاد از دست رفته را، که رمز پیروزی ما در انقلاب شکوهمند بهمین بود، احیا کنند، از بسط اختلافات داخلی، که عوامل دشمن محرك اصلی آن هستند، بپرهیزند و فریب شیادان و عوام فریبان را که «اسلام» آمریکائی را پرچم مبارزه خود بر ضد نیروهای خلقی مدافع جمهوری اسلامی ایران کرده اند، نخورند. همه با هم در راه دفاع از میهن و انقلاب و جمهوری اسلامی ایران!

به بازماندگان فاجعه گچساران صمیمانه تسلیت می گوئیم

این فاجعه هستیم، زیرا با توجه به دساس و خرابکاری های گوناگون و گسترده ضد انقلاب، محتمل است - بقول حجت الاسلام رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی - «دست چنایکاری که بقیه چنایات را انجام داده، در این مسئله هم باشد.»

دوشنبه شب، بر اثر انفجار در انبار مهمات راهسازی زان بیش از ۱۰۵ نفر از هموطنان بیگناه ما کشته شدند. ما با تأثر عمیق، این مصیبت را به بازماندگان مقتولین تسلیت می گوئیم. در همان حال ما خواهان رسیدگی فوری و جدی به علت وقوع

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

دهقانان چشم‌پراه

بقیه از صفحه ۱

هیئت‌های ۷ نفری اصلاحات ارضی - مطابق آئین‌نامه اجرائی قانون اصلاحات ارضی - یا تشکیل شده و مشغول عمل شده‌اند، یا دارند تشکیل می‌شوند. دهقانان بی‌صبرانه چشم‌پراهند، تا این پیک آزادی از قید ستم اربابی بیاید و هرچه زودتر مسئله مالکیت زمین را که مهمترین مسئله ارضی است، حل کند. بی‌خود نیست که وقتی استاد رضا اصفهانی به سخنرانی در رومین رفت، انبوه دهقانان، با همان سادگی و خلوص و صمیمیت خویش، مرتباً این بیت از دل برخواستند: را، که خودشان در جمع سرورده بودند، می‌خواندند:

خداپشت و پناحت اصفهانی
کشاورز چشم‌پراه اصفهانی
چرا کشاورز ایرانی چشم‌پراه اوست
و آرزوی موفقیت او را دارد؟ زیرا میدانند که استاد اصفهانی طراح برنامه اصلاحات ارضی و خواستار کوتاه کردن دست اربابان است، زیرا شنیده‌است که وی در برابر حملات دیوانه‌وار بزرگمالکان و عمال آنها، ام از پشت‌میز نشینان ادارات طاغوتی یا

بقیه از صفحه ۱

وفا دار از امیر یالیسم آمریکاست، اقداماتی علیه انقلاب ایران صورت می‌گیرد که یک جعد آن آموزش و پیچ عقاب فراری است. رئیس ایل آجرلو، بنام قوت‌الله شاهین، که در آغاز انقلاب به فرانسه گریخته بود، از دو ماه پیش به ترکیه آمده و عشایر فراری را متشکل میکند و این علاوه بر نتیجه شوم سیاست خارجی وابسته ترکیه در هانگی با امیر یالیسم آمریکاست، که خاک آن کشور را به پایگاه نظامی علیه رژیم‌های مرفی همسایه بدل کرده است.

اقدامات خصمانه رژیم بعثی عراق، از درگیری‌های بی‌دریغ مرزی و تجاوز به مناطق سرحدی خاک مین با گذشته و به شرکت فعال و همه‌جانبه در توطئه‌های امیر یالیسم علیه انقلاب ایران انجامیده است. دولت بعث عراق نه تنها گروه‌های ضدانقلابی را زیر نظر قاسملو، پالیزیان، اووسی، گومله و... مسلح و تجهیز می‌سازد، بلکه با پول و اسلحه از آنان نوکران وفاداری در خدمت سیاست تجاوزگرانه خویش ساخته است، که در خیانت پهلویان و خدمتگزاران به امیر یالیسم آمریکا و بعث عراق، دوی دست هم بلند میشوند این سرسیرمدگی خفرت‌انگیز بوضوح در نامه قاسملو به بعثی‌های عراق مشاهده می‌شود، که تمامی شرایط رژیم بعثی عراق و از جمله فرستادن دو نماینده از سوی آنانرا با دل و جان می‌پذیرد فقط بشرط آنکه تنها او را مسلح کنند و تنها او را بعنوان کارگزار خود در کردستان ایران بشمارند همین‌پول و اسلحه و مشاوران اعزامی حکام بعث عراق هستند که کردستان را بزک و خون کشانده و مانع از حل سالم‌آمیز مسئله شده‌اند، تا از کردستان بمشابه پایگاه مسلح ضد انقلاب و تخت پرش برای هجوم به قلب انقلاب استفاده کنند.

هیولای بعثی‌های عراق با امیر یالیسم آمریکا، در مقابله آشوبه ارکان حزب بعث عراق، باژتاب‌دار، که از اختیار مزدور حمایت‌و هذیان‌های او را درباره انقلاب ایران و رهبران آن دشمنوار میکند. حمایت رژیم بعثی عراق از نیروهای ضدانقلابی، سلاواکه‌ها، افسران فراری ارتش، وجه دیگری از تلاش رژیم بعثی عراق در همکاری با امیر-

روحانی‌نمایان طرفدار ارباب، مردانه مقاومت کرده و بیاتر خواست‌های دهقانان تپیدست شده‌است.

کشاورزان چشم‌پراه انجام درست برنامه آقای اصفهانی و ریشه‌کن کردن بساط اربابی هستند. دهقانان خود را آماده استقبال و همکاری با هیئت ۷ نفری کرده‌اند، و هرچیز تشکیلی شده، نهایت مساعدت و همکاری را برای سرعت عمل و حل مسئله نشان داده‌اند. بهمین جهت هم، خوشبختانه، هرچاکه افراد هیئت ۷ نفری با سلاحت‌لازم انتخاب شده و طرفدار انقلاب و زحمتکش روستاها بوده‌اند و تسلیم فشار و تطبیع و تهدید مالکان بزرگ و چاق‌داران و روحانی‌نمایان و عناصر الماکین نشده‌اند، این کار بخوبی و بدرستی سرگرفته و قانون پیاده شده است.

اما همه‌جا اینطور نیست. بعضی‌ها چوب لای چرخ می‌گذارند. کی‌ها؟ اربابان، خوانین، عمال آنها، حتی بعضی پاسکاه‌های ژاندارمری و برخی ادارات محلی و روحانی-نماها، چه‌بسا کار آنها بقدری رسوا و ضد دهقانان مستضعف است، که منطبقا و علنا بین آنها و نهادهای انقلابی، نظیر جهاد سازندگی و سپاه پاسداران، اختلاف‌نظر می‌شود. این نهادها جانب دهقانان تپیدست

بهبوش باشیم

برگرداندن پیش از موعد ایل از ییلاق به قشلاق بمنظور برپا کردن جنگ تحمیلی، اختصاص مبالغ هنگفت جهت تطبیع عشایر مستمند و استخدام مزدور از بین آنها... تحریکات امیر یالیسم در منطقه بلوچستان و در میان خلق بلوچ نیز گسترده است. عمان و پاکستان مرزی برای ایجاد تحریک و تفتین در میان بلوچ‌هاست. در خاک عمان جاسوسان آمریکائی چند اردوگاه آموزشی تشکیل داده‌اند، که بجز بی‌میلان بلوچ را آموزش میدهند. مرزبان این اردوگاه‌ها، آمریکائی و انگلیسی هستند. پاکستان از یک سو حلقه رابط سیا یا بجز بی‌میلان بلوچ است و از سوی دیگر اردوگاه‌های فراریان افغانی را، که در پیشاور قرار دارند و مستقیماً از منابع آمریکا و سیا دستور می‌گیرند، با اردوگاه‌های فراریان افغانی در خراسان، که در شهرهای بیرجند و تربت‌جام و تربت حیدریه و مشهد قرار دارند، مرتبط ساخته و باین وسیله رهنمودهای سیا را به آنها میرساند.

بر اساس ماهیت خرابکارانه همین باصلاح جمعیت‌های اسلامی افغانی است که حجت‌الاسلام صفائی، رئیس دادگاه انقلاب مشهد و فرمانده سپاه پاسداران آن منطقه، چندی پیش گفت که سران این جمعیت‌ها با عمال جاسوسی امیر یالیسم آمریکا در تماس هستند، و دستور انحلال آنها را در سراسر منطقه خراسان صادر کرد.

امیر یالیسم آمریکا، علاوه بر گریز توطئه، و تهاجمی که از سرحدات ترکیه تا منطقه بلوچستان به دور انقلاب ایران کشیده است، در خارج از مرزهای ایران نیز، بدست متدهاندش در منطقه و خارج از آن، اقدامات گسترده‌ای را برای سرکوب قیلا انقلاب قدارک دیده است. چنانکه قبلاً هم یادآور شدیم، طبق اطلاع خبرگزاری قاسی از واشینگتن، ایالات متحده و انگلیس درباره طرح تقسیم ایران سرگرم شده‌اند، و ناوگان ششم آمریکا بعنوان دبدبدار دوستانه وارد خاک مصر در بندر اسکندریه شده‌اند. روزنامه «پراودا» از ورود ۱۸۰۰ تنگسندار آمریکائی به منطقه خلیج فارس خبر داد. ژنرال پل گلی، فرمانده کل نیروهای ۲۰۰ هزار نفری واکش

مقابله با او هستیم و نگرانی نداریم.

رئیس مجلس شورای اسلامی، حجت‌الاسلام رفسنجانی - کیهان، ۲۵ مرداد ۵۹ «هر روز ما در مقابل آمریکا با همه ابعاد و با همه نیرو ایستاده‌ایم و بدینا ثابت کردیم که در مقابل ابرقدرت عظیم آمریکا هم می‌توان ایستاد... دشمن دوسده صربه زدن است... ما انتظار حمله دشمن را داریم» (امام جمعه تهران، حجت‌الاسلام خاتمی، ۲۱ مرداد ۵۹) «احتمال توطئه (دیگر) خیلی زیاد است، یعنی همین حالا احتمال میدهم که مدتی دیگر توطئه باشد» (مرفقی رضائی، فرمانده سپاه پاسداران انقلاب - ۱۷ مرداد ۵۹) «وقوف و علم مسئولان چه وجود توطئه خود امری است خلیج. ولی خطیری از آن آمادگی برای مقابله با توطئه است. بازداشت و تیرباران هم‌های از عناصر شرکت‌کننده در توطئه همدان و کشف ۵۰۰ حهت خنرانک از شبکه کودتا در ارتش، کشف دو شبکه جدید در ماری و آذربایجان غربی، که سران آن صریحا به ارتباط با بختیار و اووسی و فالیزیان اشراف کرده‌اند، از جمله اقدامات شایان تحسینی است که مقامات مسئول در مقابله با توطئه-گران بعمل آورده‌اند.

اما این هنوز کافی نیست. باید با شتاب و بیگری فراوان، بخش-های کشف نشده شاخه نظامی و هم‌های شاخه سیاسی توطئه را کشف و سرکوب کرد، تا امکان شرکت در توطئه‌ای دیگر را نیابند.

پاسداری از دستاوردهای انقلاب ایجاب میکند که به موازات این اقدامات، پایگاه‌های اقتصادی - اجتماعی امیر یالیسم و ضد انقلاب در کشور ما ریشه‌کن شود، تا امید امیر یالیسم به این یا آن گروه وابسته، برای بازسازی مواضع خود در کشور ما، قطع گردد.

فزون بر این‌ها، وظیفه عاجل مسئولان است که از بیداری و آمدگی گم‌مانند و ایشان و فدکاری پیدر پی مردم بیدارتر بهره‌برداری کنند و با تشکل آنان در جبهه‌ای متحد، مانع از خنشی شدن و هرز رفتن نیروها شوند.

بپوش باشیم که امیر یالیسم آمریکا در راه است، میاد که غفلت ما ندامت بیار آورد.

فعالیت ضدانقلاب در تاقسی‌ها

طبق اخبار موقتی که بدست رسیده، ضدانقلاب برای پخش شایعه و اخبار جعلی درباره انقلاب ایران ایجاد محیط بدبینی، عدم اعتماد تفرقه در بین مردم، اخیر دست بهشگرد تازه‌ای زده است عوامل ضدانقلاب برای انجام این مقصود، طبق برنامه و بطور سفا سوار تاقسی‌ها می‌شوند و در لباس افرادی که از انقلاب «نامیده» «دل‌سرد» شده‌اند، به تبلیغ مطالب رادویهای ضدانقلاب و انواع شایعه و اخبار تحریک‌آمیز می‌پردازند تاکنون بطور مکرر دیده شده است که این افراد، که به لباسهای مختلف نیز درمی‌آیند (از سطلان گرفته؛ چپ‌نمای دوآتسه آمریکائی) دست به چنین تبلیغات مسموم و زهر آلود زده‌اند.

هدف ضدانقلاب بطور مشخص نامید کردن مردم نسبت به انقلاب ایجاد جو عدم اعتماد نسبت به رهبری و مسئولین انقلابی ایران و فراهم آوردن جو تبلیغاتی لازم جهت وار، آوردن ضربه‌هایی برای سرتکوتر جمهوری اسلامی ایران است. این اعمال ازجمله فعالیت‌های شبکه‌سیاسی ضدانقلاب است.

بنابه گفته مرفقی رضائی، فرمانده سپاه پاسداران، افراد شبکه‌سیاسی ضدانقلاب وظیفه دارند «دست به‌جمل و تحریف‌بزند، شایعه‌سازی کنند، به رهبران انقلاب نسبت دروغ بدهند، نواره‌های بختیارخان را به کشور وارد کرده و تکثیر کنند، به نهادهای انقلابی، به جهاد بسیا هتمت بزند و علیه آنها تبلیغ کنند و...»

این شبکه‌سیاسی، به گفته مقامات مسئول سپاه پاسداران و سایر مقامات انتظامی، منجمده حجت‌الاسلام رفسنجانی، حاکم‌شروع دادگاه‌های انقلاب ارتش، به‌مقدار زیادی دست نخورده باقی مانده است. شبکه سیاسی ضدانقلاب گسترده، منظور متشکل است و با تمام قوای خود سعی میکند تا زمینه‌های لازم برای نابودی انقلاب ایران را فراهم کند.

ما ضمن هشدار دوباره در جهت مقابله قاطع و سریع با این شبکه وسیع ضدانقلاب از مردم انقلابی و معتقد ایران میخواهیم، تا با حفظ هوشیاری انقلابی خویش، این عوامل ضدانقلاب را بهر لباسی که درآیند، شناسایی کنند و با معرفی آنان به مقامات مسئول انقلابی کشور، در جهت کشف و نابودی شبکه‌سیاسی ضدانقلاب گام بردارند.

در ضمن از مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران نیز میخواهیم که با بی‌گیری و دانش‌سایسی و دستگیری این افراد، شبکه وسیع سیاسی ضدانقلاب را درهم کوبند.

هندوستان خواهان شرکت نمایندگان راستین کامپوچیا در کنفرانس سران غیرمتشده‌است

در اجلاس «دبیرخانه هانگیسی سازمان کشورهای غیرمتشده»، هندوستان درخواست کرد که امکان شرکت کامپوچیا در هفتین کنفرانس سران کشورهای غیرمتشده فراهم آید.

وزیر خارجه هندوستان اظهارداشت که همه‌گونه کوشش را برای شناسایی دولت‌هنگ‌سامرین از سوی کشور-های غیر متشده بعمل خواهد آورد.

صادر از تهران و در طول ۲۲ سال است که در تهران زندگی می‌کنم و ملیت خویش ایرانی، شیعه اثنی- عشری، مسلمان متشده به‌ خداوند و وابسته به خدا و اعتقاد به معاد و روز قیامت و قبول داشتن پیامبر اکرم اسلام حضرت محمد (ص) و قبول- داشتن و ایمان داشتن به حضرت

۲۹۰ شماره چهارشنبه ۱ مرداد ۱۳۵۹ عکس اینچنان را مخفی‌بودن اینکه کسی بینند، از زاویه بسالوا انداختند... و مرا افغانی و گروک ضدانقلابی شمریدند... من از آن روزنامه می‌خواهم که برای تکذیب... در روزنامه خود درج کنید که من نام علیرضا زارعی، نام پدر عباس، متولد ۱۳۳۸، شماره شناسنامه ۸۹۵

تکذیب

آقای علیرضا زارعی، که عکس وی در شماره ۲۹۰ نامه مردم به چاپ رسیده‌است، طی نامه‌ای به نامه مردم اعلام کرده‌است که وی افغانی نیست و در نامه خود ازجمله نوشته‌است: «...اینچنان علیرضا زارعی... که

روستا، ۲- مالک این منطقه محدخان ضرقایی نیست و محدخان فقط مالک بخشی از یکی از روستاهای ابرج است. ۳- پاراگراف سوم خبر کاملاجدا از دوبارگراف قبلی و راجع به اختلاف مالک بزرگ باسه‌نفر خرد- مالک است، و بی‌چوجه به «محدخان ضرقایی» مربوط نمی‌شود.

توضیح

خبری که تحت‌عنوان «شکایت مالک از خردمالکان!» در شماره ۳۰۲ نامه مردم» درج شده‌است، دقیق نیست و بهمین دلیل ضمن پوشش، توضیحات و تصحیحات ذیل را ضرور میدانیم: ۱- «ابرج» روستا نیست، بلکه منطقه‌ای است شامل ۲۰ الی ۳۰

باد و بنیاد انقلابی نیکارا گوئه آشنا شویم

دراوج فعالیت انقلابی "جبهه ساندینیست زادی ملی" و پیش از سرنگونی رژیم سوموزا، در تاریخ ۲۷ خرداد ۱۳۵۸، در مهاجرت دولتی به نام "دولت موقت بازسازی ملی نیکارا گوئه" تشکیل شد. این بنیاد در روز ۲۸ تیر ۱۳۵۸، پس از سقوط رژیم خاندان سرسبرده سوموزا، عنوان "شورای دولت بازسازی ملی"، زمام حکومت را در نیکارا گوئه بدست گرفت.

"شورای دولت" نخست از افراد زیر تشکیل می شد، که بعنوان نمایندگان نیروهای مختلفی که در مبارزه در راه سرنگونی سوموزا، شرکت داشتند، در "شورا" عضویت یافتند:

دانیل اورنگا ساودرا، مویز حسن مورالس، ریولتا باریوس چامورو، آلفونسو روبلو گالکاس، پرسیو رامیرز مرگادو.

یکی از نخستین گام های "شورای دولت" انتشار بیامی "به خلق قهرمان نیکارا گوئه، همه خلق های برادر جهان و دولت های دموکراتیک بود، که در آن استقرار آزادی، عدالت و دموکراسی در نیکارا گوئه مزده داده شده بود.

"شورای دولت" بالاترین ارگان اجرایی نیکارا گوئه است. نخستین تصمیم این "شورا" فرمان شماره ۱ "مبنی بر مصادره اموال هنگفت سوموزا بود.

در بهار امسال، رهبر "جنبش دموکراتیک نیکارا گوئه" - حزب محافظه کار وابسته به بورژوازی بزرگ نیکارا گوئه، آلفونسو روبلو گالکاس، در اعتراض به سیاست "جبهه" ساندینیست آزادی ملی از "شورای دولت" استعفا کرد. چندی بعد نیز ویولتا باریوس چامورو به علت بیماری از "شورا" کناره گرفت. بجای دونفر نامبرده، ژورژو کروز، مدیر سابق بانک مرکزی نیکارا گوئه و رافائل کوردووا ریواس به عضویت "شورای دولت" انتخاب شده اند.

قانون اساسی نیکارا گوئه، علاوه بر "شورای دولت"، تشکیل بنیادی به نام "شورای حکومت" را نیز تسجیل می کند، که از همه نیروهای شریک در مبارزه ضد سوموزا و روند بازسازی ملی بسازد.

مخالف بورژوازی بزرگ نیکارا گوئه کوشیدند، تا در آستانه بنیانگذاری "شورای حکومت"، ز قدرت "جبهه" ساندینیست آزادی نیکارا گوئه هم بیجانان آن در "شورای حکومت" بگهند و ترا در انحصار خود در بیاورند. اما از ۴۵ کرسی موجود در "شورای حکومت"، که میان ۲۹ سازمان تقسیم شده است، اینک ۲۴ کرسی در اختیار "جبهه ساندینیست آزادی ملی" و سازمان های نو ده ای متحد است.

از جمله وظایف "شورای حکومت" عبارتست از بررسی، تصویب و تغییر لویحی که از سوی "شورای دولت" ارائه می شود، تهیه پیشنهاد لایحه های قانونی و تدوین قانون انتخابات و قانون اساسی آینده نیکارا گوئه.

"شورای حکومت" در آغاز هر دوره اجلاس به اکثریت ساده آراء، یک رئیس، سه نایب رئیس، سه منشی برمیگزیند. با انتخاب بایاردو آرسه عضو رهبری ملی "جبهه" ساندینیست آزادی ملی، سمت نخستین رئیس "شورای حکومت" از فدمات برجسته "جبهه" در مبارزه علیه رژیم دیکتاتوری سوموزا تجلیل بعمل آمده است.

تاکنون کمیسیون های مختلفی برای دفاع، مورخارجه، آموزش، فرهنگ، امور مالی، در "شورای حکومت" تشکیل شده است.

دانستنی ها درباره نیکارا گوئه

مرسمی: جمهوری نیکارا گوئه (ریوبلیکا د نیکارا گوئه)

تاریخ استقلال: ۲۴ شهریور ۱۲۰۰
ساحت: ۱۳۰ هزار کیلومتر مربع (بموجب آمار سازمان ملل).

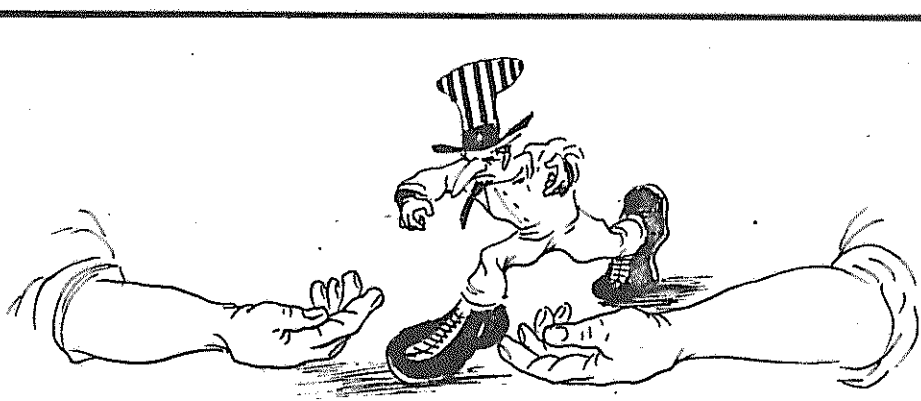
جمعیت: ۲/۴ میلیون نفر

۵۴/۲ درصد جمعیت در شهرها و ۴۵/۷ درصد در روستاها زندگی می کند.

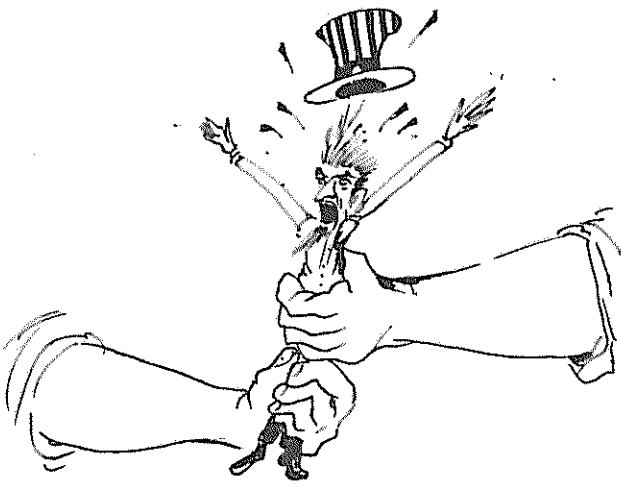
۴۷/۵ درصد جمعیت جوانتر از ۱۵ سال هستند.

ایتخت: ماناگوئه (۵۵۸ هزار نفر)
بزرگ شهرها: لئون (۹۵ هزار نفر)، خینوتخا (۷۸ هزار نفر)، ماناخالیا (۷۳ هزار نفر)، گرانادا (۶۳ هزار نفر)، ماسایا (۶۱ هزار نفر).

بان رسمی: اسپانیایی
ول: کوردووا (در حدود ده سنت ایالات متحده)



عدم اتحادیوهای هرقی به نفع امریالیسم تمام می شود.



اتحادیوهای هرقی، ضمانت سوزی بر امریالیسم امریکاست!

لیبی دوست انقلاب ایران

پس از آنکه امپراطوریهای مستعمراتی در دوران پس از جنگ دوم جهانی، یکی پس از دیگری، در زیر ضربه جنبشهای آزادیبخش فرو پاشیدند (روندی که تنها به پشتیبانی مؤثر دنیای نوین سوسیالیستی به سرانجام پیروزمند خود رسید) این سؤال در برابر دولتهای نو بنیاد آفریقا و آسیا با تمام حدت خود مطرح گشت که: این کشورهای نواستقلال چه راه نکاملی را باید در پیش گیرند؟ اکثریت قریب باتفاق آنان، که طعم مظالم سرمایه داری را چشیده بودند، سرمایه داری را مانند یک نظام اجتماعی - اقتصادی نفی می کردند، در عین حال، جز گروه کوچکی از آنان، راه شخصی دیگری را نیز برای جلوگیری از رشد سرمایه داری ارائه نمی کردند.

در چارچوب این نفی و این بی برنامه گی بود که، در داخل هر یک از این کشورها ستمهای فکری، سیاسی و اقتصادی رنگارنگی پدید آمد، که هر یک مدعی اصالت و خلقت و صحت بودند.

بیشتر این ستمها سرمایه داری را نفی نمی کردند و در عین حال سوسیالیسم به معنای علمی آن را نیز نفی می پذیرفتند. ولیبی یکی از این کشورها بود که، بتدریج توانست خود را از دایره نفوذ اقتصادی و سیاسی دنیای امپریالیستی بیرون بکشد و در اثر همکاری با دنیای سوسیالیسم، موقعیتهای چشمگیری بدست بیاورد.

تلاش لیبی برای اتخاذ خط مشی مستقل در سیاست اقتصادی و بخصوص سیاست خارجی، با مقاومت سرسختانه دولتهای امپریالیستی روبرو شد. لیبی یکی از پیگیرترین کشورهای عربی در مبارزه علیه صهیونیسم و امپریالیسم است. رهبران لیبی میدانند که بدون پشتیبانی کشورهای سوسیالیستی نمیتوان علیه صهیونیسم و امپریالیسم با موفقیت مبارزه کرد و از دایره شعار بایرون گذاشت.

مصاحبه سعدمجیر، سفیر لیبی در ایران، با خبرنگاری پارس، سیاست ضد امپریالیستی لیبی را به روشنی نشان می دهد.

سفیر لیبی پیشنهاد می کند که برای مبارزه با امپریالیسم و صهیونیسم، جبهه مشترکی از ایران، لیبی، فلسطین، الجزایر و سوریه تشکیل گردد.

به نظرم، تشکیل این جبهه، بعنوان نخستین گام در رویارویی با خطر امپریالیسم و صهیونیسم، نه تنها در مسئله بیت المقدس، بلکه همچنین در حفظ دستاوردهای انقلاب ایران و همه کشورهای

ضد امپریالیستی منطقه میتواند پایه عمل قرار گیرد. سفیر لیبی مسئله روابط بین کشورهای "دنیای سوم" و جهان سوسیالیسم را بخوبی درک می کند و می گوید:

"اگرما اسلحه هائی را که از شوروی گرفتیم و از آن صحبت زیاد می شود، نداشتیم، الان سادات رئیس جمهور مصر و لیبی با هم بود."

این واقعیت را می توان تعمیم داد: اگر پشتیبانی و کمک اتحاد شوروی به افغانستان نبود، امروز ضیاء الحق رئیس جمهور پاکستان و افغانستان هردو با هم بود. اگر سوریه و سازمان آزادیبخش فلسطین به پشتیبانی کشورهای سوسیالیستی متکی نبودند، اگر اسرائیل و اربابانش از قدرت دنیای سوسیالیسم نمی ترسیدند، امروز مکه و مدینه هم در اشغال اسرائیل بود و حجاج بایستی از آقای بگین اجازه زیارت مکه را می گرفتند (هر چند ملک خالد هم چندان فرقی با بگین ندارد، زیرا میلیاردها دلار درآمدی را که از نفت و از حجاج می گیرد، به بانکهای آمریکایی می سپارد و آنها هم بخشی از سود آنرا برای خرید سلاح به اسرائیل می دهند).

تمام دنیای سرمایه داری، پس از انقلاب لیبی، سرهنگ قذافی و سایر رهبران این کشور را می کوید و قذافی را "دیوانه و مخبط" می نامید.

امپریالیستها تمام اتهاماتی را که اکنون بر امام خمینی وارد می کنند، به او نیز وارد می کردند. هدف از تمام این تبلیغات بدنام کردن انقلاب لیبی بود، که می خواست زیر پرچم "اسلام" در لیبی جامعه سوسیالیستی بسازد.

شاه ملعون نیز بدستور اربابانش بالیبی قطع رابطه کرد.

پس از آنکه مصر به دلیل خیانت سادات، در دامان امپریالیسم آمریکا افتاد، ارتش مصر در مرز لیبی هر روز فتنه های برفی انگیزخت (درست مانند آنچه امروز عراق در مرزهای ایران می کند) ولی خلق لیبی به کمک اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی تمام این فتنه انگیزیها را بی اثر ساخت و انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی خود راه پیش برد. لیبی، این کشور بیابانی، که پیش از انقلاب یکی از عقب مانده ترین کشورهای جهان بود، امروز در اثر اتخاذ نفی صحیح در سیاست داخلی و خارجی - جلوگیری از رشد سرمایه داری و همکاری با دنیای سوسیالیسم - با گامهای بلند در مسیر رشد و ترقی پیش می رود.

متأسفانه ما در ایران دستهای مرموزی را در کار می بینیم، که هر چند مدت یکبار، در روابط ایران و لیبی اختلال می کنند و می خواهند مناسبات این دو کشور را تیره کنند. بهانه هر چه باشد، اصل مسئله روشن است. امپریالیستها نمی خواهند بین نیروها و کشورهایی که سیاست پیگیر ضد امپریالیستی دارند، دوستی و هماهنگی بوجود بیاید، زیرا آن روز که تمام کشورهای این منطقه بتوانند جبهه واحدی به پشتیبانی دولتهای سوسیالیستی بر ضد امپریالیسم تشکیل دهند، باید فاتحه

در جهان سوسیالیسم

کاهش پایدار سوانح کار در جمهوری دمکراتیک آلمان

امنیت اجتماعی در جمهوری دموکراتیک آلمان همچون در شرایط حفاظت کار نمایان میشود. شماره نازل سوانح کار در بخش های گوناگون اقتصاد ملی آلمان دموکراتیک در سطح بین المللی بی نظیر است. این عدد در گستره فعالیت وزارت زمین شناسی ۱۰/۶ به نسبت هر هزار شاغل (۱۳۵۶)، در مادن ۱۳/۳ در هزار (۱۳۵۷) و در گستره وزارت ذغال سنگ و انرژی، ۱۶ در هزار (۱۳۵۶) است.

جدول زیر شماره سوانح کار را در مجموعه اقتصاد ملی جمهوری دموکراتیک در ۲۵ سال گذشته نشان میدهد.

سال	شماره سوانح کار به نسبت هر هزار شاغل
۱۳۳۴	۴۹/۵
۱۳۳۹	۴۸/۶
۱۳۴۹	۴۰/۸
۱۳۵۴	۳۳/۰
۱۳۵۷	۳۱/۳

در جهان سرمایه داری

افزایش روز افزون بودجه تسلیماتی در آمریکا

چهار سال پیش، جیمی کارتر، به هنگام احراز ریاست جمهوری، وعده داد که هزینه های "دفاعی" و نرخ تورم را پائین خواهد آورد. نگاهی به لایحه بودجه سال آینده، که در تاریخ ۹ مهر ماه ۱۳۵۹ شروع خواهد شد، نشان میدهد که، این وعده های بیش نخواهد ماند. همچنین از کاهش مالیاتها، یکی دیگر از وعده های جیمی کارتر، در این لایحه خبری نیست.

در نگاه اول، ممکنست که بودجه سال آینده حتی مثبت بنظر آید. درآمد ها از ۵۲۳/۶ به ۶۰۰ میلیارد دلار و هزینه ها از ۵۶۲/۶ به ۶۱۵/۸ میلیارد دلار افزایش خواهد یافت. بنا بر این کسر بودجه ۱۶ میلیارد دلاری، چنان زیاد بنظر نمیرسد اما مسله بر سر اینست که، در این ارقام، ۱۷ میلیارد دلار کسر بودجه "فوق العاده ای" که دولت آمریکا کوشش خود را به پنهان نگه داشتن آن نهاده است، ملحوظ نیست. بودجه ایالات متحده آمریکا برای سال آینده، بهیچ روی حلال مشکلات عظیم اقتصادی آن کشور نخواهد بود.

نرخ تورم آن کشور در سال گذشته به ۱۳/۲ در صد رسید و بنظر نمیرسد که این رقم در سال کنونی کاهش یابد. نرخ بیکاری، که اکنون رسماً ۶ درصد اعلام میشود، بعقیده کارشناسان، تا آخر سال به ۷/۵ در صد خواهد رسید. فرآورده اجتماعی، بقیمت های ۱۳۵۱، یک در صد کاهش خواهد یافت.

بودجه اجتماعی سال آینده، ۲۲۰ میلیارد دلار در نظر گرفته شده، که افزایش آن تقریباً برابر با نرخ تورم است. بودجه تسلیحاتی ۱۴۶/۲ میلیارد دلار، یعنی ۳/۳ در صد بیشتر از رقم مشابه کنونی است. هزینه های پژوهشی، با وجود عقب افتادن آمریکا از ژاپن و جمهوری فدرال آلمان از نظر توسعه تکنولوژی، در سال آینده کاهش خواهد یافت.

از هر دلاری که دولت آمریکا خرج میکند، ۲۴ سنت آن بمصارف تسلیحاتی میرسد. در این میان کنگره خواسته است که بودجه نظامی به ۱۶۰ میلیارد دلار ازدیاد پیدا کند. علاوه بر این، تا سال ۱۳۶۴، ۱۰۰ میلیارد دلار بجیب نظامیان ریخته خواهد شد. بدین ترتیب میانگین رشد هزینه های تسلیحاتی تا ۱۳۶۴، ۴ در صد، یعنی یک در صد بیشتر از رقمی خواهد بود که "ناتو" سه سال پیش تعیین کرد.

امپریالیسم را خواند، چه در این صورت این کشورها میتوانند حلقوم امپریالیسم را حتی فقط با سلاح نفت بدارند. بهمین دلیل نیز امپریالیسم و یارانش می کوشند که چنین جبهه های تشکیل نشود بهترین راه نیل به این هدف شوم نیز دیدن در شبور ضد شوروی و ضد کمونیستی از موضع "اسلام" امریکایی است.

اگر امپریالیسم و یارانش موفق شوند روابط کشورهای "دنیای سوم" با جهان سوسیالیسم را برهم زنند، قسمت اعظم کار را انجام داده اند، زیرا در این صورت، مصر ناصر به سادگی به مصر سادات تبدیل می شود.

گرانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می کند، زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری وقایع انقلابی از زیر این بار نجات داد

زائغه‌نشینهای خزانه بخارایی زندگی، که در کوره‌های متروک آجرپزی، میگدازد

● زحمتکشانی که ستون فقرات انقلاب هستند، از ابتدای ترین زندگی انسانی بی بهره اند.

● زائغه‌نشینهای خیابان خزانه بخارایی با فقر و محرومیت دست و پنجه نرم میکنند.

هوای خفقان آور داخل آلونک غیر قابل تنفس است. در گوشه‌های پسر بچه‌های خردسال، بالباس-های زولیده و سرو صورتی چرکین- از گرما و مزاحمت مگسها و پشه‌ها به گریه افتاده است. در گوشه‌های دیگر، مادر در حالی که بچه شیر خوارش را در آغوش گرفته است، با نگاهی پریشان‌آمیز ما را برانداز می‌کند. در نگاهش، همانند نگاه دیگر اهالی محل، یک سؤال را می‌پاییم:

مگر نه اینکه انقلاب از آن کوخ نشینهاست؟

در قسمت شرقی انتهای خیابان خزانه بخارایی، کوره‌های متروک آجر پزی وزائغه‌هاشیکه نام خانسه هزاران کارگر را سر خود دارند، چون لکه‌های چرکین بر آئینه انقلاب نقش بسته‌اند. این محلات فقر، که زحمتکشان ما را در خود بلعیده‌اند، نمایانده رنجی است که به نشان بیداد رژیم گذشته، به یادگار مانده است. این محله فقر، در بیابان خشکی همانند با تلاق، عرض اندام کرده است. فاضل آب شهر، با بوی متعفنش که در وسط بیابان قرار دارد، همراه با مگسها و پشه‌ها، که از بوی فاضلاب جان میگیرند، اهالی محل را کلافه کرده است.

این محل از ۶۴ خانواده تشکیل شده است. این اهالی، که اکثرا از بیرجند و روستاهای اطراف آن به اینجا نقل مکان کرده‌اند، در کوره‌های متروک و تاریکی زندگی میکنند، که زمانی مکان آجر پزی بود.

وارد محل که می‌شویم غباری از فقر و محرومیت را مشاهده می‌کنیم. خانه‌های گلی، با دیوآبی که از کاهگل و حلبی درست شده است، درهای پارچهای و سقفهای نایلونی، فریادی است از فقر و نداری. برای اینکه بیشتر با درد و رنج اهالی این محل آشنا شویم، محمد علی جعفری کارگر شهرداری، ما را به آلونکش می‌برد. در داخل آلونک با هوای دم کرده‌ای روبرو می‌شویم. در گوشه‌های آلونک بچه‌های خوابیده است. تمام صورت و دستها و پاهای کودک پسر از مگس است. تاریکی داخل آلونک مانع دید کامل میشود. در همین هنگام محمد رو به ما می‌کند و می‌گوید:

"روزها از دست مگس و شبها هم از دست پشه‌ها نمی‌توانیم راحت باشیم. تا بحال چندین نفر از اهالی این محل به بیماری وبا دچار شده‌اند. از آن باشم، هیچگونه وسایل رفاهی نداریم. حتی یک حمام هم این حوالی نیست. بچه‌های محل برای مدرسه رفتن باید ۲ کیلومتری راه بروند و این مسیر خصوصا در زمستانها بیشتر به با تلاق شبیه است تا به جاده. برای خریدن جزئی ترین با احتیاج روزانه هم باید اینراه را برویم.

از آلونک که بیرون می‌آئیم، بچه‌های محل دور ویرمان حلقه میزنند. در نگاههای محسوسشان گرسنگی را مشاهده می‌کنیم. یکی از اهالی محل در مورد وضع آب و برق می‌گوید:

"قبل از انقلاب آب و برق نداشتیم. این اواخر توانستیم دو شیر آب لوله کشی برای محل درست کنیم، که تمام اهالی از این دوشیر استفاده می‌کنند. برق را هم از فاصله ۵۰۰ متری به کمک اهالی کشیدیم. در این هنگام پسر بچه‌های لنگان لنگان بطرفمان می‌آید. اسمش علی صدور است. دانش آموز کلاس اول راهنمایی است. با وجود پای معیوبش از شرایط سخت مدرسه رفتن کودکان دیگر مستثنی نیست. می‌گوید:

"او سال است که با خانواده‌ام از بیرجند به اینجا آمده‌ایم. پدرم کارگر بود، ولی در اثر تصادف سلامتش را از دست داد و به همین دلیل از کار بیکار شد هیچ در آمدی نداریم و تنها با کمک اهالی محل زندگی می‌کنیم." در جواب اینکه: کجا بازی می...

کارگران ایران و دفاع از انقلاب:

چندی پیش برای نخستین بار بدعت انجمن‌های اسلامی کارخانجات مازندران، در محوطه کارخانه شماره ۳ نساجی قائم شهر برای کارگران سخنرانی شد.

سخنران این مراسم آقای آل اسحق بود. ایشان طی سخنان خود بیش از هر چیز به مساله اتحاد نیروها تکیه کرد و از جمله گفت:

"ما با کسانی که افکار سوسیالیستی دارند، و با دوستان سوسیالیست، باید دست اتحاد بهم بدیم و در مقابل دشمن مشترک با هم باشیم. ما که با هم به زندان رفتیم، با هم شکنجه شدیم، با هم به مقابله توپ و تانک رفتیم، اکنون چرا نتوانیم با هم برادرانه زندگی کنیم؟"

درباره مسائلی از این دست، نیروهای راستین انقلابی دارای نظر کاملا روشن و مشخصی هستند. اکنون که انقلاب بزرگ ما بایست سر گذاشتن آزمون‌های سهمگین و مقابله باتوطئه‌های کودتایی عوامل امپریالیسم به استقبال دشواری‌های تازه‌تری می‌رود، باید از پشت جبهه‌های هر چه فعال‌تر، آگاه‌تر و متشکل‌تر برخوردار باشد.

کارگران ایران بایدترین و محکم‌ترین نیروی خلق ما هستند که هم در صف مقدم جبهه مبارزه ضد امپریالیستی و هم در برابر دشواری‌های داخلی و به عبارت دیگر در زمینه تقویت و تحکیم پشت جبهه این مبارزه دشوار حضور فعال دارند. کارگران ما باید چون تنی واحد یک صف و یک صدا و بقول امام خمینی با "وحدت کلمه" در مقام دفاع از انقلاب قرار گیرند. چنانکه تاکنون نیز چنین بوده‌اند. سخن بر سر آینده است. آینده‌ای که از جمله برای طبقه کارگر ایران سرشار از نوید پیروزی و بهروزی است. برای هرس کردن باغ آینده و در راه شکوفایی غنچه‌های سعادت و استقلال، زمستان‌های سختی در پیش داریم. و ناچار باید دست در دست هم‌گذاریم و بار پیروزی را در فریاد میهن بر زمین نهمیم. بدیهی است در این راه مغم و مکلا، شیعه و سنی، کرد و آذربایجانی و فارس و ...، نیروهای چپ راستین و مبارزین انقلابی مسلمان همه در یک سنگر و در برابر یک دشمن ایستاده‌اند. آری دشمن مشترک است. جبهه یکی است و نبرد، نبرد واحدی است. اگر کسی در برابر این منطق زلال و عینی آگاهانه یا ناآگاهانه سرلجج در پیش گیرد، بی‌گمان خدمتی به پیروزی انقلاب، به کسب استقلال و به نوسازی و سالم‌سازی اجتماع

کنید، می‌گوید:

"توی همین خاکها، کنار اون لجنها، با دست فاضلاب شهر رانسان میدهد با حالتی افسرده میگوید: تا بحال داخل شهر تهران را ندیده‌ام. دلم میخواد یکبار به سینما بروم و در پارکها گردش کنم. این تنها خواست علی نیست، بلکه آرزوی تمام جوانان و کودکان این محلات است. از داخل یکی از زائغه‌ها، که سقف کوتاهی دارد و برای گذشتن از در آن باید خم شد، جوانی بی‌سرو می‌آید. خودش را محمد برقی معرفی میکند. ۲۴ سال دارد. ۴ ماه است که ازدواج کرده است. قبلا در بیرجند در یک شرکت خارجی کار می‌کرده، ولی به علت تعطیلی شرکت مجبور شده است به تهران بیاید. ۶ سال است که در این کوره زندگی می‌کند. این او و همراهی یک کارخانه بیلوسازی کار می‌کرده، ولی به علت تعطیلی کارخانه به همراه شما می‌کارگران کارخانه بیکار شده است. می‌گوید:

روزها تمام تهران را برای پیدا کردن کار زیر پا می‌گذارم. از بیکاری و نداری حس می‌کنم. ۴۰ سال پیر شده‌ام، بیکاری، گران و نگاههای همسر مرا از داخل خالی میکند."

همراه کارگر دیگری، که محمد نام دارد، داخل آلونکشانش می‌رود. دیوارهای خانه را با قوطی‌های حلبی ساخته است. می‌گوید:

"سقف اتاق دوبار روی بچه‌ها خراب شده، ولی خوشبختانه آسبیب زیادی ندیده‌است. سقف اتاق را بنا چوب و هر چیز دیگری که در دسترس داشتیم، پوشانده‌ایم." در ادامه صحبت، با انسدوده می‌گوید:

"بگوئید که به فکر ما هم باشند. آخر ما هم انسانیم، فرزندان ما هم فرزندان این سرزمین اند." از آلونک بیرون می‌آئیم. در پس دیوارهای کاهگلی بدشکل و در میان درگاهها، چشمان همسران و فرزندان این زحمتکشان محروم در انتظار بیکار پر بار انقلاب است. نگاهها پشیمانگی پرشگرتک سئوال است:

"مگر نه اینکه انقلاب از آن کوخ نشینهاست؟"

جبهه واحد مبارزه علیه امپریالیسم را با تأمین اتحاد همه نیروها و با تقویت وحدت طبقه کارگر تحکیم بخشیم

چگونه می‌توان پاس داشت و آن را در سمت دفاع بی‌امان از انقلاب و تعمیق و گسترش آن هدایت کرد؟

تجربه انقلاب ما، هم‌چنانکه تجربه دیگر انقلاب‌ها بخوبی نشان داده است که تقویت مبانی شکل صنفی کارگران، یعنی قوام‌سندیکاهای و انجمنهای کارگری آن امر مطمئنی است که دم هیچ مورپانه و زهرهیج سم‌کاری، بر آن کارگر نیست. کارگر متشکل همه‌جیز کارگر متفرق هیچ چیز.

در این میان وظیفه همه نیروهای انقلابی ایجاد و تقویت این انجمنهای صنفی و همکاری فعال با آنها و جلوگیری از ضرباتی است که تفرقه افکنان، کونترپان، چپ‌نمایان، انحصار طلبان و راستگرایان درصدد فروکوفتن آنها بر بیکر سازمان‌های کارگری هستند. وظیفه مقامات مسئول و بویژه دولت آینده انقلاب، نیز در این میان خطیر و سنگین است دولت باید در این زمینه اصول مصرح قانون اساسی - و از جمله اصل آزادی و قانونیت فعالیت سندیکاهای و مجامع کارگری - را با قدرت و بی‌وقفه تنگبانی و اجرا کند. دولت باید با کمک مجلس، کار تدارک، تصحیح و تنقیح و تصویب قانون کار انقلابی را که بسیار جدی و فوری است به انجام رساند و بی‌درنگ در مقام اجرای آن برآید. درنگ - ولو اندک - در این کار به هیچ رو جایز نیست، چرا که در راستای منافع انقلاب و مصالح طبقه کارگر قرار نمی‌گیرد. اما پیش از همه، بسیج آگاهانه طبقه کارگر در راه مقابله موثر با امپریالیسم مستلزم یک رشته اقداماتی است که نمونه سخنرانی مذکور گوشه‌ای از آن است.

این سخنرانی‌ها که باید منظم و فراگیر نیز در راستای اتحاد همه نیروها بر علیه امپریالیسم و ضدانقلاب داخلی باشد - از اهمیت کمی برخوردار نیستند. نیروهای مسئول انقلابی و بویژه مجامع صنفی کارگری باید بطور گسترده زمینه‌های هر چه بیشتری را برای این کار تدارک ببینند. افشای دقایق توطئه‌های نافرمان آمیگا (در طیس) و ضدانقلابیون داخلی (توطئه کودتای ۱۸ تیر) و بررسی زمینه‌های آن و نیز از این رهگذر شناختن دوستان و دشمنان انقلاب، آشنائی با عمق خطر ضدانقلاب و نحوه رویارویی موثر با آن می‌تواند نه تنها از طریق سخنرانی‌ها بلکه از طریق دایر کردن نمایشگاهها، اجرای نمایشها و نمایش فیلم‌های آموزنده دنبال شود.

نقش کارگران ما در دفاع از آینده انقلاب بسیار عظیم و در عین حال همراه با دشواری‌های نفس‌گیری است. در راه اجرای این برنامه وحدت صنفی و سیاسی طبقه کارگر یک شرط دلخواه بلکه یک ضرورت تام و تمام است.

نیروهای ارتجاعی می‌کوشند تا با دستبرد به برخی مواد قانون اساسی، از مضمون دموکراتیک آن بکاهدند و اختیارات رئیس جمهوری را توسعه دهند بموجب ارزیابی حزب کمونیست ترکیه، که در شرایط بس دشوار به مبارزه پنهانی مشغول است، ترکیه به سوی رژیم شبه نظامی کشانده میشود.

بطوریکه احزاب دموکراتیک و سازمانهای توده‌ای در نشریات مخفی خود خاطرنشان ساخته‌اند، حزب راستگرای "جنبش ملی" امکان یافته است که آزادانه موج وسیعی از فعالیتهای تروریستی را در سراسر ترکیه برانگیزد. سازمان شبه نظامی "جنبش ملی"، که به نام "گرگهای خاکستری" معروف و در داخل کشور و خارج از آن بارها به کشتار میهن پرستان ترکیه دست زده است، از سوی محافل افراطی راستگرا، رهبری و هزینه مالی آن تأمین میشود. "گرگهای خاکستری" توانسته‌اند در دستگاه دولتی نیز رخنه کنند و سمت‌های حساس رانیز در اختیار خود بگیرند. بنابراین، نباید تعجب کرد که مقامات دولتی، حتی در بهترین حالت، یعنی داشتن حسن نیت، از مقابله موثر با تروریست‌های فاشیست ناتوان بوده‌اند.

ما هاست که رسانه‌های گروهی جهان و ایران از اقدامات مداوم "تروریستی" در ترکیه خبر میدهند. روزی نمی‌گذرد که دهها تن از مردم ترکیه در جریان این عملیات و دیگر تشنجات و درگیریهای سیاسی جان خود را از دست ندهند و یا مصدوم نشوند. موج "تروریسم" تنها یکی از مظاهر بحران همه جانبه و عمیقی است، که کشور ترکیه مدتهاست با آن روبروست.

در گستره اقتصادی، بیکاری و تورم در ترکیه بیداد می‌کند. در حدود ۲۰ درصد زحمتکش ترکیه، یعنی نزدیک به سه میلیون ترک بیکارند. در فاصله بهمن ۱۳۵۸ و بهمن ۱۳۵۹، قیمتها در آن کشور ۲۴۳ درصد افزایش یافت. طبق گزارشی، تنها در منطقه آنکارا نرخ تورم در سال گذشته حداقل صد درصد بوده است.

پایه‌های فلاکت اقتصادی، گرایش به راست هر چه بیشتر در صحنه سیاسی ترکیه تقویت می‌یابد. در نه ماه گذشته بیش از دوهزار نفر قربانی جنایات سیاسی شده‌اند. باندهای فاشیستی نیروها و عناصر دموکراتیک و مترقی را آماج تهاجمات وحشیانه و خونین خویش قرار داده‌اند. در ۲۰ استان، از مجموع ۶۷ استان ترکیه، حکومت نظامی اعلام شده است.

حزب کمونیست ترکیه: ترکیه بسوی رژیم شبه نظامی کشانده میشود

قلمین کار برای کارگران بیکار، یکی از نخستین وظایف دولت انقلاب است

شکل کارگران در انجمن‌های صنفی (سندیکایی) ضرورت انقلاب ایران است

قلمین کار برای کارگران بیکار، یکی از نخستین وظایف دولت انقلاب است

شکل کارگران در انجمن‌های صنفی (سندیکایی) ضرورت انقلاب ایران است

دهقانان! اتحادیه‌های دهقانی خود را تشکیل دهید!

مسائل دهقانی

و راه حل‌ها را ارائه نماید.

از طرف دیگر اتحادیه دهقانان باید مسائل و مشکلات و خواسته‌های روستای خود را جمع‌آوری کند و به روزنامه‌ها و مجلات برساند، نامتشر شود و از این راه تجربیات خود و راه‌های حق-طلبی و چگونگی کمک نهادهای انقلابی و حل شدن یا نشدن مشکلات خود را با اطلاع سایرین برساند.

پس توجه کنید: امور مربوط به نشریات دو جنبه دارد: یکی پندگرفتن از تجربه سایرین و آشناسانندن با مسائل و بیان خواسته‌ها، ودومی پنددادن به سایرین و راهنمایی کردن از روی تجربیات بدست آمده و چگونگی دادخواهی و طلب کردن حق.

۳- امور مربوط به مطالبات - اتحادیه‌های دهقانی محل اجتماع و تشکل کلیه دهقانی است که میل دارند با هم متحد شوند و می‌دانند که باید از هدفهای انقلاب جانبداری کنند، طرفدار تحکیم جمهوری اسلامی ایران و احیای کشاورزی و بهبود وضع روستاها هستند. این دهقانان حاضر میشوند که داوطلبانه در اتحادیه متشکل شوند و در این زمینه مبارزه و فعالیت کنند. پس اتحادیه باید از دهقانان تهدیدست گرفته تا دهقانان خرده پا و میانه‌حال، و همچنین دهقانان مرفه، که طرفدار انقلاب هستند و با نظام اربابی و حکومت امیربالیستها و طاغوت مخالفند، دفاع کند.

بنابراین مطالبات می‌تواند هم در زمینه تولید و بهبود وضع اقتصادی باشد، هم درباره سرکوب ضدانقلاب و جلوگیری از توطئه‌های عمال امپریالیسم هم درباره زمین و آب و کوتاه کردن دست بزرگ مالکان و واسطه‌ها و سلف خرما باشد، هم برای بهسازی روستاها، هم درباره امور آموزشی و بهداشت و مسکن باشد، هم درباره مایحتاج و مواد مورد نیاز دهقانان. در همه این موارد، اتحادیه دهقانان باید خواسته‌های مشخص دهقانان ده یا منطقه مربوطه را تنظیم کند و دهقانان را برای اجرای آنها بسیج و متشکل نماید.

باید توجه داشت که اتحادیه حزب و گروه سیاسی نیست. پس در آن همه افراد، صرفنظر از عقیده و مسلک سیاسی و مذهبی خود می‌توانند شرکت کنند. اتحادیه، شورای دهم نیست. اولاً بدان جهت که نه همه افراد، بلکه فقط دهقانان داوطلب در آن مشارکت دارند، و ثانیاً بدان جهت که اتحادیه یک نهاد اجرائی و دولتی نیست. منتهی اتحادیه دهقانان باید در هر جا با شورای ده همکاری کند و از آن بطلبد که در حدود امکانات و اختیاراتی که دارد، خواسته‌ها را برآورده سازد و مشکلات را حل کند.

اتحادیه خود قوه اجرائیه و اختیار اداری ندارد و قدرت آن تنها در اتحادیه‌دهقانان و حق طلبی آنهاست. با تکیه به این قدرت و با استفاده از کمک نهادهای انقلابی است که اتحادیه می‌تواند از ادارات و مسئولان دولتی بخواهد که به مشکلات رسیدگی کنند و منافع دهقانان را به هنگام اخذ تصمیمات در نظر بگیرند.

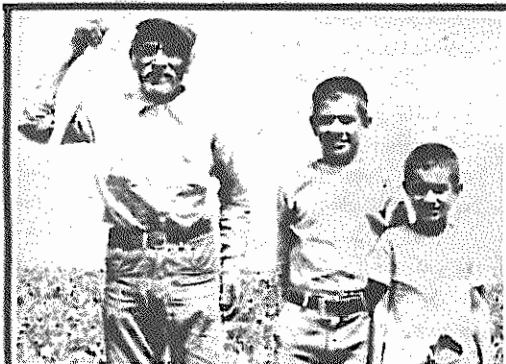
اتحادیه برای رسیدن به هدفهای خود باید و می‌تواند به پاسداران انقلابی و اعضای فداکار جهاد سازندگی و حکام شرع متعهد و دیگر روحانیون مبارز و مومن به انقلاب تکیه کند و همکاری آنها را برای بیان و تحقق خواسته‌ها و مطالبات جلب کند.

اتحادیه با مراجعه به ادارات مسئول دولتی، مانند وزارت کشاورزی و بانک کشاورزی و وزارت راه و وزارت نیرو و سازمان برنامه و غیره، باید خواسته‌ها را مطرح و جدا دنبال کند و از دهقانان بخواهد که دنبال این خواسته‌ها را بگیرند و همیشه باور اتحادیه خودشان باشند.

مطالبات دهقانان هر استان و شهرستان متفاوت است و هر اتحادیه‌ای باید مطالبات خاص ناحیه خود را دنبال کند. با اینهمه مهم‌ترین مطالباتی که در همه جای اغلب جاها وجود دارد و همه باید به آنها توجه کنند، عبارتند از:

۱- واگذاری زمین به فوریت و با شرکت خود دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین انجام گیرد و غده چرکین و فاسد بزرگ مالکی برای همیشه از روستا برچیده شود تا صفا و شکوفایی به ده راه یابد،
۲- با تشکیل تعاونی‌های تولید بروی مالکیت‌های مشاع، که از مصادره زمینهای بزرگ مالکان و سایر اراضی ناشی می‌شود، پایه تولید فراوان و محصول کافی، که درد کشور و خود

قانون اصلاحات ارضی باید در جهت ریشه کن ساختن بزرگ مالکی و دادن زمین به کلیه دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین، هر چه سریعتر و قاطعتر اجرا شود



بچه‌ها به پدرشان در کار کشاورزی کمک می‌کنند. (روستای قیدارغلو)

قیدارغلو در انتظار بهروزی

روستای قیدارغلو، در پنج کیلومتری جنوب بخش زرگان (جاده شیراز-مرودشت) واقع است. این روستا دارای دو قسمت سغلا و علیا است، که در کوهپایه‌ها قرار گرفته است. ۵۰۰۰ (هزار) خانوار روستا، که از عشایر سکونت داده شده هستند، از حداقل امکانات

دهقانان را دوا کند، گذاشته شود.
۳- با تشکیل تعاونی‌های خرید و فروش و مصرف، دست سلف‌خران از ده کوتاه شود. موسسات دولتی و تعاونی‌های شهری محصولات زراعی و دامی را مستقیماً از تعاونی‌های فروش دهقانی بخرند. دهقانان نیز کالاهای مورد نیاز خود را سببه تولیدی و چه مصرفی- توسط تعاونی‌های خرید دهقانی خریداری کنند. دست واسطه‌ها و رباخواران باید کوتاه گردد،
۴- قیمت محصولات کشاورزی بخصوص گندم و سایر غلات و اقلام اصلی محصول زراعی را عادلانه تعیین و تثبیت کنند و خرید آنرا تضمین نمایند. دست سلف‌خران باید کوتاه شود.

۵- مسئله آبیاری، نهرکشی، لارویی قنوات، حفرچاه، سدبندی، سهمیه بندی و غیره بسیار مهم و حیاتی است و توجه لازم به آن باید مبذول شود.

۶- مسئله حیاتی دیگر جاده و راههای روستایی است، که باید به فوریت به آن توجه شود و طبق برنامه معین این مسئله، که دارای اهمیت اقتصادی و اجتماعی است، حل شود.

۷- خواسته شود که در هر گروه از روستاهای مجاور هم، مراکز خدمات کشاورزی، طبق طرح موجود دولتی و با تجهیز کامل فنی، تاسیس شود و مشکلات تولیدی را در محل حل نماید.

۸- به وام و اعتبار روستایی، که باید اکثراً به طور جنسی و تولیدی داده شود و در تولید موثر باشد، توجه گردد، قسمت اعظم وام باید به تعاونی‌ها و گروه دهقانان در "مشاع" و به شورای ده داده شود.

۹- توجه به مسائل دامداری و بهداشت دام و دامپروری و اعطای کمک‌های لازم برای تقویت دام داری‌های کوچک و متوسط.

۱۰- کوشش برای حل امور مربوط به بهداشت، تربیت بهداشتی و پیشگیری بیماری‌ها،
۱۱- اقدام به احداث حمام و مدرسه و غسل-خانه و مسجد و کتابخانه و سایر موسسات مورد نیاز دهقانان.

دهقانان عزیز! فراموش نکنید که بدون مبارزه فعال و بی‌گیر و تشکل در اتحادیه‌ها و تقاضاها و مراجعات دائمی و مکرر به نهادهای انقلابی و جلب همکاری و کمک آنها، حفظ دستاوردهای انقلابی و بدست آوردن موفقیت‌های تازه‌تر و داشتن موسسات مربوطه دولتی به اجرای خواسته‌های حق و رفع مشکلات ممکن نیست.

اتحادیه دهقانان را درده خود تشکیل دهید و در راه پیروزی‌های تازه انقلاب ما و تحکیم بنیاد های جمهوری اسلامی ایران و دستیابی به خواسته های حق خود مبارزه کنید.

رفاه محرومند. زمینهای موجود در این روستا بدون سند رسمی در مالکیت دهقانان خرده مالک است.
۲۰ خانوار از خوش نشینان روستا در کارخانه‌های اطراف جاده شیراز-مرودشت کار می‌کنند. و این درحالی است که در نزدیکی روستا زمینهای وسیعی وجود دارد، که در دست مالکان بزرگ است. دهقانان این روستا با مشکلات زیادی روبرو هستند، بطوریکه در بعضی مواقع زندگی آنان به نابودی تهدید می‌شود. بهتراست از زبان خود دهقانان زحمتکش بشنویم:

چندسال قبل با آمدن سیل، اراضی زراعتی از بین رفت. بیشتر چاههای ما خراب شده و چون وضع مالی ما خوب نیست، نمی‌توانیم آنها را درست کنیم. به همین جهت مجبوریم زمینها را ادمیسی کشت کنیم، که البته درآمد و محصول خوبی نداریم.

درباره وضع محصول امسال می‌گویند: "مستأمن امسال با زان زیسادی بارید، ولی در پها رباران کم بارید، که متأسفانه محصول خوبی به عمل نیا مسده است."

برای رفع مشکلات مالی چندین بار به بانک تعاون کشاورزی مراجعه کرده اند، ولی:

... به ما وام نمی‌دهند. می‌گویند سند رسمی باید داشته باشید. مدتی پس از آنکه محصول گندم و جو آماده برداشت بود، دهقانان موفق به اجاره کمباین نشدند. یکی از روستائیان در این باره می‌گوید:

"امسال اجاره آن خیلی گران شده هر هکتار ۵۰۰ تومان می‌گیرند. و ادا می‌دهد."

"اجاره تراکتور هم گرانتر از سال قبل است و همین طور قیمت بذر و کود. املاهمه چیز گران شده، ولی قیمت گندم نسبت به سال پیش چندان گران نشده." سرما یه داران و واسطه‌ها خودسرانه گران به ما شین آلات کشاورزی را گران می‌کنند، و بدینسان قسمتی از دسترنج کشاورزان زحمتکش را غارت می‌کنند.

بخش مهمی از درآمد این روستائیان از دامپروری است مین می‌شود. نوکسران امپریالیسم برای نابودی دامپروری و وابسته کردن کشور ما به انحصارات امپریالیستی چراگاههای اطراف را معدومه منابع طبیعی اعلام و از ورود دام به این مناطق جلوگیری می‌کردند. ولی با پیروزی انقلاب این سدممنوعی برداشته شده و دامپروری در منطقه رونق یافته است.

در این روستا برق وجود ندارد، در حالی که در ۳ کیلومتری آن، زرگان، برق هست و با هزینه کم می‌توان به این روستا بیزق کشید.

این روستا فاقد درمانگاه است و بیماران به درمانگاه زرگان مراجعه می‌کنند. بیشتر مواقع به علت کمبود امکانات پزشکی در زرگان روستائیان مجبورند به شیراز بروند.

مهمترین تکرانی روستائیان (بجز مسئله زمین و آب) کمبود گران کالاهای ضروری (روغن، برنج، سیگار و...) است.

برای جلوگیری از کوچ روستائیان به شهر و برآوردن خواسته‌های آنان:

- زمینهای وسیعی در نزدیکی روستا است، که باید با اجرای اصلاحات ارضی بنیادی از مالکان بزرگ خلع بید کرد و کلیه زمینها را به دهقانان بی‌زمین و کم زمین واگذار کرد.

- به روستائیان از طریق بانک تعاون کشاورزی کمک مالی کرد،
- با ایجاد شرکت‌های تعاونی مصرف روستایی از افزایش سرما م و قیمت‌ها جلوگیری کرد و با ایجاد تعاونی تولید برای مالکیت‌های مشاع، از ریشه‌کن کردن تولید روستایی کرد.

- ایجاد امکانات رفاهی در روستا به کمک نهادهای انقلابی.
- با اجرای موارد فوق، از یک سوم مالکان بزرگ، که سرما را انقلاب هستند، دستشان کوتاه خواهد شد و سرما یه داران و واسطه‌ها که وحشیانه زحمتکشان را استثمار می‌کنند دیگر نخواهند توانست زور بگویند. از سوی دیگر با رگرسکن زندگی از دوش روستائیان برداشته خواهد شد و آنها به ماندن در ده تشویق و امیدوار خواهند شد و جلوی مهاجرت روستایی گرفته خواهد شد.

انقلاب فدا مبریا لیستی و خلقی میهن ما با یدومی تواند این اقدامات را انجام دهد، تا روستائیان در شهرها سرگردان نشوند، و هر روز با فقر و نکبت دست بسه گریبان نیاشند.

از این طریق، هم زحمت غیرفعال شهری کاسته می‌شود و هم به رشد تولیدات کشاورزی برای رسیدن به مرز خودکفایی مقدور و ضرور کمک خواهیم کرد.

دهقانان کم‌زمین و بی‌زمین! با تشکیل کمیته‌های خود و با تکیه به پاسداران متعهد و افراد سازنده و انقلابی، با همکاری دولتی کمک کنید، تا قانون اصلاحات ارضی سرما یه داران را براندازد و اجرا شود.

بقیه از صفحه ۱

جامعه ایران در طول دو قرن گذشته، یعنی از موقی که ایران با تسلط استعمار امپریالیسم رشد سرمایه داری وابسته مواجه گردیده، تشکیل می دهد. خواستهای اقتصادی - اجتماعی چنین انقلابی طبیعتاً کاملاً مشخص و روشن است و آن اینکه، باید به دوران ننگین تسلط استعمار امپریالیسم پسر ایران خاتمه داده شود. بساط اقتصادی اجتماعی که موجودات سلسله خارجی و استثمارگران وابسته به آن را در ایران فراهم آورد، از میان برود و جامعه ای مستقل، شکوفا، مترقی و مرفه بجای آن ساخته و برپا گردد. پیروزی قطعی و نهایی انقلاب در گرو برآوردن این خواستها، یعنی عمده ترین اهداف انقلاب است. خواستهای اقتصادی - اجتماعی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران مسائل تجزیه ای، عام و یا یا محتوای مبهم و نامشخص نیست، که مثلاً بتوان با ارائه برنامه ای صوری، چنانکه مرسوم کابینه های زمان طاغوت در این کشور بوده، آنها را حل شده تلقی کرد. انقلاب عظیم مردم ایران خواستهای اقتصادی اجتماعی، با محتوای مشخص و معلوم ضد امپریالیستی، خلقی، توده ای و طبقاتی دارد. فقط در صورتی که برنامه دولت با چنین برخوردی و با وظایف اقتصادی - اجتماعی انقلاب طرح و تنظیم شود، میتوان به نیل به هدفهای انقلاب و تحکیم واستواری آن امیدواری حاصل کرد. این نکته ای است که در همین ابتدا ذکر آن در مورد تنظیم برنامه کابینه ضرورت پیدا می کند، تا از حد رفتن وقت گرانبهای که استفاده از هر لحظه آن برای موفقیت در کارهای توده ای، جلوگیری بعمل آید.

نامه مردم، از همان روز پس از پیروزی انقلاب، خواستهای اساسی آنرا بر سرشمرده است. در اسناد متعدد کمیته مرکزی حزب توده ایران در این زمینه چه در مورد عمده ترین مسائل و چه حتی حل جزء جزء مسائل اقتصادی - اجتماعی دوران پس از انقلاب بطور مشخص همه یادآوریهایی ضرورت انجام گرفته است. چادارد که تنظیم کنندگان برنامه دولت جدید، بویژه شخص آقای رجایی پیشیندادهای حزب توده ایران را، که از مومن ترین سازمانهای سیاسی وفادار به هدفها و پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی است، مورد توجه دقیق قرار دهند. بجاست که زمامداران جمهوری اسلامی، در همه سطوح، به این نکته توجه داشته باشند که کفته ها و نوشته های حزب ما تنها به صداقت انقلابی و ایمان خللناپذیر به تحقق آرمانهای مردم ایران متکی نیست، این کفته ها و نوشته ها هم چنین حاصل دانش اجتماعی و تجربه اندوزی قریب چهل سال عمر حزب توده ایران و مبارزات قهرمانانه آن علیه امپریالیسم و ارتجاع و نزدیک به صدسال مبارزه مترقی ترین نیروهای جامعه ایران در نیل به استقلال، آزادی، پیشرفت و رفاه برای مردم ایران است. با آنکه مسائل مبهم و حاد اقتصادی - اجتماعی انقلاب ایران، چنانکه یادآور شدیم، در اسناد حزب ما و نامه مردم، بدفیات و بکرات بازگو شده، با اینحال ضرورت میدانیم، اکنون که دولت جدید در شرف تشکیل است، برخی نکات اساسی و عمده را در ارتباط با حل این مسائل یادآور شویم، تا بنوبه خود به تسهیل آغاز کار دولت کمک کرده باشیم.

انقلاب مردم ایران در رهله اول، انقلابی ضد امپریالیستی است این بدان معنی است، که هدف عمده و درجه اول انقلاب، پایان دادن به سلسله امپریالیسم و استعمار و بر کلیه مشوین سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و اجتماعی در جامعه ایران است. در زمینه های سیاسی، نظامی و فرهنگی، با محور رژیم دست نشانده شاه سابق، لغو قراردادهای نظامی، طرفداران و مستشاران آمریکائی، بستن لانه جاسوسی و اقدامات نظیر، گامهای مؤثری برداشته شده است. اما باید دانست این گامها، با تمام اهمیتی که

دارند، نتایج محسوس را بیارنخواهند آورد، اگر تصمیمات قاطع در زمینه رهائی ایران از تسلط اقتصادی - امپریالیسم و استعمار از جامعه در زمینه رهائی از تسلط اقتصادی - امپریالیسم، اکتفا کردن به ملی - گردن ها، مله سرمایه خارجی و راندن عوامل امپریالیستی و نواستعمار، ولو این اقدامات قاطعانه هم صورت گیرد، کافی نیست. در اینجا مسئله عمده پایان دادن به وابستگی اقتصادی در تمام مظاهر آن است. وابستگی اقتصادی به امپریالیسم عمده ترین مجرای خطر در خنثی ساختن پیروزیهای است که در همه زمینه های رهائی سیاسی، نظامی، فرهنگی در دوران پس از انقلاب کسب کرده ایم. قطع وابستگی اقتصادی و تأمین استقلال اقتصادی در برابر امپریالیسم و نواستعمار اهم اساسی و عمده تثبیت پیروزیهای بدست آمده و تأمین بابرجایی و ثبات قطعی انقلاب مردم ایران است. در ارتباط با اهمیت مسئله اخیر بدرستی این موضوع مطرح میشود که از چه راهی میتوان به رهائی از وابستگی اقتصادی و تأمین استقلال اقتصادی نائل شد؛ پاسخ سؤال روشن است: تنها از راه پایه گذاری رشد همه جانبه صنعتی - کشاورزی، رشد صنایع سنگین و مادر، و مقدم بر هر چیز، پرداختن به تولید وسائل تولید در داخل کشور میتوان به تأمین استقلال اقتصادی نائل شد. بدین سخن، تبیه و تدوین برنامه جامع صنعتی کردن اقتصاد ایران از مسائل است که باید در صدر برنامه دولت انقلاب قرار گیرد.

صنعتی کردن ایران در مرحله کنونی رشد اقتصادی - اجتماعی، بعنوان اهم اساسی رشد و ترقی، استقلال و پیشرفت، نه فقط ممکن بلکه ضرورت حیاتی است. مخالفت دول امپریالیستی و رژیمهای سلطنتی دست نشانده آن با صنعتی کردن ایران، یکی از آغاز کردنی و تأمین استقلال ملی یک قرن و نیم اخیر، از عوامل زیربنایی در جازدن ایران در عقب - ماندگی بوده است.

تسلط امپریالیسم و استعمار تو بر ایران مانع از آن شده که اقتصاد ایران به آزادی راه تکامل یابید و از مرحله تولید کالاها مصرفی به تولید وسائل تولید برقیه، اقتصاد ایران، که بطور خودبخودی در شرایط رژیم سرمایه داری وابسته، مراحل اولیه رشد صنعتی را بجزیمت پست سر گذاشت و تولید کالاها مصرفی را آغاز کرد، از چند دهه به اینطرف، بویژه پس از دوران شاه شدن وقت، به عمده از ارتقاء به مرحله تولید وسائل تولید، که مفهوم واقعی صنعتی کردن و استقلال اقتصادی یک کشور را دربر می گیرد، باز داشته شده است.

استعمار، امپریالیسم و نواستعمار آگاهانه و بایک سیاست دقیق حساب شده، مانع از خروج اقتصاد ایران از دائره بسته تولید کالاها مصرفی و ارتقاء به مرحله تولید وسائل تولید، یعنی پرداختن به صنعتی شدن واقعی شده اند. رژیم کودتائی و دست نشانده شاه سابق نیز، بنا آنکه بیشترین امکانات مالی درآمد عظیم نفت را در اختیار داشت و گامی بگام به ایجاد صنایع سنگین مادر نظیر می کرد، به موجب مأموریت خائنانه ای که داشت، هیچگاه مسئله صنعتی کردن واقعی ایران، ارتقاء اقتصاد ایران به مرحله تولد وسائل تولید در داخل کشور را مطرح نکرد. رژیم ننگین پهلوی پدر و پسر، به عکس، به دول امپریالیستی و انحصارات غارتگر امکان داد که، با غارت درآمدهای نفت ما، با جهت دادن صنایع ایران در جهت وابستگی به مونتاژ و تولید کالاها لوکس و با واردات مقادیر عظیم کالا از خارج، اقتصاد و بازار ایران را در تصرف خود نگاهدارند و مانع از صنعتی شدن ایران شوند. انقلاب عظیم مردم ایران، برهبری قاطعانه ما، به عکس، دو عامل عمده

مخالفت با صنعتی کردن کشور، یعنی تسلط سیاسی - نظامی امپریالیسم و حاکمیت رژیم دست نشانده آن راه از میان برداشته است. دولت انقلاب اکنون با اعتماد به پیروزی در این مسئله حیاتی و اصلی میتوان به اقدامات پیراژد و امر صنعتی کردن واقعی اقتصاد ایران را با تحقق بخشید. همه مسئله در اینست که اهمیت این مسئله حیاتی از جانب زمامداران جمهوری اسلامی، بویژه دولت انقلاب درک شود و تمام امکانات مالی، فنی، انسانی و نیروی انسانی در داخل و کنکهای فنی و اقتصادی بدون تشابه و فایز از هر نوع تحمیل از خارج برای صنعتی کردن اقتصاد ایران، به معنی واقعی کلمه تجهیز گردد. پیراژد این مسئله در کشور به عنوان مسئله اساسی و عمده برنامه دولت انقلاب و ارائه برنامه جامع و مشخص در این مورد تنها از نظر پایان دادن به سلسله اقتصادی امپریالیسم و نواستعمار شایان اهمیت درجه اول نیست. لاین اقدام هم چنین از نظر حل مسائل مهم اقتصادی - اجتماعی در داخل، تغییر تناسب نیروهای اجتماعی بسود انقلاب، خلع سلاح عمده ترین و مؤثرترین نیروهای ضد انقلاب و ایجاد زیربنای اقتصادی مستحکم و پیراژد برای نظام جمهوری اسلامی ایران و ایجاد اهمیت شگرف و غیر قابل انکار است. رونمای سیاسی و حاکمیت جدید تنها زمانی میتواند به استقرار خود اطمینان حاصل کند که، زیربنای اقتصادی متناسب با خود را بوجود آورد. چنین زیربنائی برای جمهوری اسلامی ایران، بعنوان رژیم ضد امپریالیستی و خلقی، تنها و تنها میتواند صنعتی کردن جامع و همه جانبه اقتصاد ایران و در نوبه اول پرداختن به تولید وسائل تولید در داخل کشور باشد.

در برابر نظام عیسوی جمهوری اسلامی ایران، حل مسائل متعدد و بسیار با اهمیت قرار گرفته، که مثلاً حل مسئله بیکاری و تأمین اشتغال یکی از آنان است. بیکاری در سطح مملکت تنها شامل میلیونها کارگر ساده، که روز بروز بر تعداد آنان افزوده خواهد شد، نمی گردد. در شرایط دشواریهای پس از انقلاب، بیکاری شامل قشر عظیمی از کارگران متخصص، تکنیسین ها، مهندسی و کادریهای فعال اجرایی می گردد که بحق سرمایه مهم مملکت شمرده (می شوند). صد هزار جوان آماده برای کسب تخصص و مشتاق شرکت در برنامه های عظیم سوزائی کشور، هم اکنون سرگردان و پریشان، نیروی بازو و فکرشان به بدر می رود، تنها با برنامه صنعتی شدن کشور، که در برگیرنده هزاران طرح تولیدی و خدماتی صنعتی خواهد گردیده، میتوان مسئله بیکاری را از جمله تورم عظیم در کادر اداری بجا مانده از رژیم ننگین سابق را حل کرد.

مشخصه عمده اقتصاد ایران در مرحله کنونی رشد آن اینست که، این اقتصاد بدرجه قابل ملاحظه ای دوران رشد خرده کالائی و کارمندی پریش است. سر گذاشته و به تولید عمده و ماشینی روبرو شده است. صنعتی کردن ایران در مرحله کنونی باید با در نظر گرفتن این ویژگی و این امر تنظیم گردد که در مرحله نهایی تنها بکمک تولید عمده و ماشینی شدن تنها شامل عقب ماندگی فائق آمد و به پیشرفت نائل شد.

اولویت بخشیدن به تولید عمده و ماشینی در اقتصاد صنعتی ایران و تمرکز همه جانبه این اقتصاد در دست دولت، از شرایط اساسی موقیقت در امر صنعتی کردن کشور خواهد بود. برنامه صنعتی کردن تنها شامل اجرای طرحهای نیمه تمام متروپولیس و از نظر اقتصادی ویرانها و خنجره سرپوش آنها نیست، بلکه تدوین طرحهای عظیم و مهمی را نیز شامل می شود، که بر پایه نیل به خود کفائی ایران در زمینه تولید اساسی ترین وسائل تولید در داخل، یابد و بسویله

سازمانهای مسئول تهیه گردد. برنامه صنعتی کردن هم چنین شامل تغییر و تحول مطلوب و مورد نظر در ساختار طبقاتی جامعه در جهت است که، جامعه ایران را از تقویت مواضع طبقاتی که قدرت تحقق برنامه استقلال اقتصادی را دارند و طبیعتاً طبقه کارگر در رأس چنین طبقاتی قرار دارد، برخوردار سازد.

یاد است که صنعتی کردن کشور در نظام جمهوری اسلامی، که اصل آن بر قسط و عدالت اجتماعی است، باید امری کاملاً متمایز از صنعتی کردن در رژیم و کشورهای پیشرفته سرمایه داری تلقی گردد. چنانکه می دانیم در رژیمهای سرمایه داری فائده صنعتی کردن به جیب قشر معدودی سرمایه داران استثمارگر سرازیر میشود؛ آنها را ثروت مندتر میسازد و در مقابل، توده های عظیم زحمتکشان را به زیر بار استثمار شدیدتر و محرومیت های مادی و معنوی طاقت فرسائی میکشاند. نمونه این صنعتی شدن را رژیم دست نشانده طاغوت در سالهای آخر عمر خود نشان داد. چنانکه همه شاهد بودیم، ثروت های مملکت در دست عده ای چپاولگر وابسته به غارتگران خارجی متمرکز گردید و مردم زحمتکشان بویژه از هستی مناطق شدند.

مفهوم و منظور صنعتی کردن در نظام جمهوری اسلامی ایران باید آن باشد که، همراه با اجرای برنامه های آن، نه فقط استقلال کامل اقتصادی تأمین شود، بلکه فوائد و نتایج صنعتی کردن نصیب توده های میلیونی زحمتکشان گردد. بدین جهت آشکار است که از همین ابتدا پایه های رشد صنعتی کشور در جمهوری اسلامی باید بر اساس مالکیت عمومی بر صنایع عمده و تولید وسائل تولید گذاشته شود. در زمینه صنایع بزرگ، تولید کالاها مصرفی و بطور مطلق در زمینه صنایع تولید وسائل تولید استقرار مالکیت عمومی ضرور است و در این زمینه، هر آنچه در مالکیت سرمایه های امپریالیستی و بخشی خصوصی وابسته به آن باقی مانده، باید به مالکیت عموم درآید.

طبیعی است که برنامه صنعتی کردن شامل روابط کار و سرمایه نیز می گردد. در این باره نیز باید برنامه ای منطبق با ماهیت خلقی انقلاب ارائه داد. جمهوری اسلامی، که توده های زحمت کش و مستضعف نیروی محرابه اصلی انقلاب بوده اند، نمی تواند در این وضع، که کارگران و زحمتکشان کنعان هم چنان در معرض استثمار و غارت سرمایه قرار داشته باشند، باقی بماند. امروز وضع چنانست که قسمتی از دستمزد کارگران و زحمتکشان در کارگاه و کارخانه و بخش عمده دیگر آن در عرصه توزیع و فروش کالا و مسکن به معنی واقعی کلمه به غارت می رود. باید به این وضع و روابطی که باعث میشود ثروت در یک قلب و فقر در قلب دیگر جمع شود، خاتمه داد.

موقیقت برنامه صنعتی کردن و تأمین استقلال اقتصادی در مبارزه علیه سلسله امپریالیسم و انحصارات غارتگر و سرمایه های وابسته به آن در داخل، کارگر در مرکز دید و اقدامات دولت انقلاب قرار گیرد. در غیر اینصورت بعد خلقی انقلاب نادیده گرفته میشود و خواهناخواه بعد ضد خلقی جای آن را می گیرد. اگر دولت بخواهد توقانات سرمایه را برآورد، تقض غرض نه فقط در برخورد با مسائل و ماهیت انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی است، بلکه شکست انقلاب در نیل به هدفهای ضد امپریالیستی را در پی خواهد داشت. پذیرش راه رشد غیر سرمایه داری در شرایط حاضر جهان و ایران یگانه راه حصول اطمینان بخش به هدفهای ضد امپریالیستی و خلقی انقلاب عظیم مردم ایران است. هر نوع عدولی از این راه، تحت عنوان حمایت از سرمایه، نتایجی غیر از

دولت جدید و حل مسائل اقتصادی - اجتماعی

جمعی، مکانیزه و بزرگ، یعنی ایجاد تعاونیهایی، تولید کشاورزی و حمایت از کشت و صنعت های دولتی بعمل آید. تنها این راه رشد در کشاورزی می تواند هر چه سریعتر موجبات رفاه توده کشاورزان زحمت کش را فراهم آورد و کشور را از واردات محصولات کشاورزی از خارج بی نیاز و نیازمندیهای حال و آتی رشد صنعتی را برآورده سازد. امر مبادله و عرضه و توزیع کالا، تقسیم درآمدهای نفت و بسوچه، تقسیم زمینهای ملی و گمرکی و ارزی اساسی زیربنائی ایجاد و توسعه شبکه های وسیع راهها، راه آهن، بنادر و تربیت نیروی ماهر کار و متخصصین در همه سطوح می گردد. و هم اقدامات اساسی زیربنائی بسبب وضع مادی زحمتکشان، ارتقاء سطح سواد، آموزش، بهداشت و ایجاد شبکه های تأمین سلامتی و تندرستی کل جامعه و محیط زیست را شامل میشود. در ارتباط با برنامه صنعتی کردن کشور، دولت انقلاب وظیفه دارد که در کلیه زمینه های یاد شده اجرای چنان برنامه هایی را در نظر گیرد، که در نتیجه نهایی به تسریع در روند صنعتی شدن اقتصاد کشور و بهبود قابل ملاحظه شرایط مادی و معنوی قاطبه زحمتکشان کمک کند.

تأمین پیشرفت کشاورزی، خود کفائی در تولید محصولات غذایی، ارتقاء سطح زندگی و خاتمه دادن به فقر موجود بسیار ناگوار در روستای ایران، وظیفه عمده و اساسی دیگری است که در پیرامون دولت انقلاب قرار دارد.

اکثریت جمعیت کشور ما را ساکنان روستاها تشکیل می دهند. اینان در عقب ماندگی و فقر و حزننگاه داشته شده و به معنی واقعی کلمه تا همین امروز اسیر ظلم قرون وسطائی، استبداد موحش پرخاسته از نظام فئودالیسم و ارباب رعیتی فقر ناشی از غارت بی امان دستمزد خود، چه بسویله استثمارگران ده و چه واسطه های عرضه محصولات کشاورزی، باقی مانده اند. سکنه روستائی و دهقانان زحمتکش ایران را باید از این وضع طاقت فرسا نجات داد.

کشاورزی ایران در دوران تسلط طاغوت از دو جهت و بعد به خرابی و ویرانی کشانیده شد. اول بخاطر تأمین مقاصد دول امپریالیستی و در نوبه اول امپریالیسم آمریکا، که نقشه ورشکستگی اقتصاد روستائی و محتاج ساختن ایران به واردات محصولات کشاورزی را به اجرا گذاشته بود. دوم از نظر تأمین منافع فئودالها و ملاکین بزرگ، که شاه سابق و خانواده اش در رأس آنها قرار داشتند. بهین دو علت امپریالیستی و رژیم دست نشانده آنها از تأمین خواست توده دهقانان در اصلاحات ارضی واقعی و دمکراتیک سر باز زدند.

اصلاحات ارضی نیم بند و دروغین از بالا، در چارچوب منافع دول امپریالیستی و فئودالها و بزرگسالکان وابسته به آنها، زبان عظیمی به توده دهقانان زحمتکش و کشاورزی ایران وارد ساخت. صد ها هزار خوار دهقانان زحمتکش از هستی ساقط شده به شهرها روی آوردند. ایران از وضع کشوری خود کفا تولید محصولات کشاورزی، به صورت کشوری در آمد که محتاج است تا ۷۰ درصد مواد غذایی خود را از خارج وارد کند.

وظیفه مهمی که در این شرایط در برابر دولت انقلاب قرار می گیرد و اجرای آن از فوریت و اهمیت عظیم برخوردار است، اجرای بدون تاخیر اصلاحات ارضی واقعی و دمکراتیک و مبتنی بر ریشه کن ساختن بقایای نظام ارباب رعیتی و مالکیت فئودالی - ملاکی است که خوشبختانه گامهای اولیه در راه آن، با مصوبات شورای انقلاب برداشته شده است.

در زمینه اجرای اصلاحات ارضی، منافع توده دهقانان و اقتصاد عمومی مملکت اقتضا دارد که، این اصلاحات بر اساس پایه گذاری و تشویق و ترغیب زحمتکشان روستا به تولید

حل مسائل گران و تورم، کمبود کالا و جلوگیری از احتکار و نظایر آن، که بخصوص در شرایط کنونی با نرسدن خدمات به عدم رضایت مردم و ضرورت اجرای فوری اصولی مانند تسلط مملکتی کردن بازارهای خارجی و ایجاد بخش دولتی در توزیع فرآورده های مورد مصرف همگانی است. بخصوص ضرورت دارد که واردات ابزار تولید و کالاهای اساسی مورد مصرف همگان منحصراً در حیطه تدارک و توزیع دولتی قرار گیرد. امپریالیسم و سرمایه داری وابسته به این دارند از این جیب به ضربات جدی به جمهوری اسلامی و انقلاب وارد آورند و از سر و سامان یافتن اقتصاد ایران جلوگیری کنند. باید این تلاش خطرناک را با اتخاذ تدابیر جدی و قاطع، با استفاده از اهم ملی کردن بازارهای خارجی، متوقف و خنثی ساخت.

کنترل و نظارت بر بازار فروش ابزار تولید و کالاهای مورد مصرف همگانی از نظر کنترل قیمت ها و جلوگیری از گرانی اهمیت درجه اول دارد. تا زمانیکه این امرها در دست دولت قرار نگیرد، اقتصاد عمومی مملکت از جانب بخش خصوصی کمپادوری، که در عمده فروش کالا و بازارهای داخلی و خارجی، مواضع عمده را در اختیار دارد و بسود ضد انقلاب و منافع خود عمل می کند، هم چنان ضربه پذیر باقی خواهد ماند. دولت جدید باید در برنامه خود برای مواجهه با این وضع، به اتخاذ تصمیمات قاطع مبارزانه و رزده.

دولت جدید در برابر حل بسیاری از مسائل مهم اقتصادی - اجتماعی قرار گرفته، که برآوردن خواست توده مردم زحمتکش و انقلابی ایران در رهائی از فقر، عقب ماندگی، بیسواد، فقدان بهداشت و مسکن و گرسنگی و زوایای کوفتگون اصلاحات ارضی نیم بند و دروغین از بالا، در چارچوب منافع دول امپریالیستی و فئودالها و بزرگسالکان وابسته به آنها، زبان عظیمی به توده دهقانان زحمتکش و کشاورزی ایران وارد ساخت. صد ها هزار خوار دهقانان زحمتکش از هستی ساقط شده به شهرها روی آوردند. ایران از وضع کشوری خود کفا تولید محصولات کشاورزی، به صورت کشوری در آمد که محتاج است تا ۷۰ درصد مواد غذایی خود را از خارج وارد کند.

دولت جدید انقلاب در صورتی به انجام وظایفی که در این زمینه بر عهده آنست توفیق حاصل می کند، که برنامه مشخص صنعتی کردن کشور، اصلاحات ارضی عمیق و دمکراتیک و تغییرات اساسی و بنیانی در نظام مبادله و توزیع کالا و تقسیم منابع مالی در جهت تأمین استقلال اقتصادی و رعایت منافع توده های زحمتکش را ارائه دهد - یعنی همان اصولی را از قوه یقین درآورد، که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آن را تصویب کرده و انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران تحقق آن را خواستار است.

مسایل قبایل و عشایر در ایران

ایران انقلابی، که می‌رود وارد مرحله سازندگی و تغییر بنیادی ساختار اجتماعی - اقتصادی جامعه شود، نمیتواند میلیون‌ها ایرانی را که بنام عشیره و ایل، از آذربایجان تا فارس، و از خوزستان تا سیستان برانگیزد، نادیده انگارد. اینها از محرومترین و دردمندترین هم‌میهنان ما هستند. شرایط کار و زندگی آنها در نهایت عقب‌ماندگی است، و حل مسائل مربوط به آنها نه تنها دارای اهمیت اقتصادی است - بویژه از نظر دامداری، که شغل اصلی اکثریت آنهاست، و تهیه گوشت مورد نیاز و سایر مواد اولیه ناشی از دامداری - بلکه دارای اهمیت سیاسی، بویژه از نظر جلب این نیروی عظیم انسانی به انقلاب و خارج کردن قلمی آنها از دایره نفوذ عناصر ضدانقلاب و وابستگی به امپریالیسم است، که بر طبق رسوم سنتی هنوز قدرت اعمال نفوذ فراوان دارند.

عدالتی چقدر است؟ کسی دقیقاً نمیداند. در بسیاری نقاط حدود ۱۰ تا ۳۰ درصد آنها حتی شناسنامه ندارند. چه بسا از زوج‌ها نیز در هیچ سند رسمی قید نمیشود.

مسائل عدالت آنها و اولویت حل این مسائل کدام است؟ هنوز باید مطالعه جدی انجام شود. تا پاسخ درست مسئله پیدا شود. ولی طرح مسئله کاملاً حادث است و کاملاً ضروری است. بویژه بدین جهت که مسئله ارضی بر مبنای از بین بردن مالکیت‌های بزرگ استثمارگرانه و زمین‌دار کردن دهقان تبه‌دست، که انتظار امید کنونی روستای ایران است، حل مسائل قبایل و عشایر تهریق انداختنی و تاخیرپذیر نیست. آزاد کردن صدها هزار نفر از عشایر لیبیدست از سلطه طولانی و گران‌بار فواین، باید با بهای حل مسئله رضی پیش رود و آنرا کامل کند. همه کسانی که اندک آشنائی با وضع عشایر دارند، میدانند که بدترین مسائل فوری و حیاتی آنها عبارتست از:

- ۱- مسئله تغذیه دام و کسب و لوفه.
- ۲- مسئله خدمات دامپزشکی و بازره یا بیماری‌های دامی و واکنش گردن حیوانات.
- ۳- مسائل رفاهی، بویژه آموزش بهداشت، که اغلب مناهیم بکلی شناخته‌ای در جامعه عشیره‌ای است.

۴- مسئله دام و کمک‌های دولتی و مقدار آن و نحوه اعطای آن و شرایط و نتایج حاصله از آن، چه در زمینه تولید و چه در زمینه وضع زندگی.

ولی این عمده‌ترین مسائل فوری، بر زمینه شرایط ویژه و کاملاً مشخصی مطرح میشود که در هر استان ایران بنحوی متفاوت وجود دارد و برای حل آنها یک برخورد جدی و مسئول و یک بررسی عمیق، که از موضع آشکار جانبداری از توده‌های مستضعف عشایر صورت گیرد، ضرورت دارد.

نخستین نگاه جامعه کنونی ما نشان میدهد که در روستاهای ایران، بقیه از زندگی دهقانی که مبتنی بر نظام کشاورزی است، حیات اجتماعی دیگری بنام نظام عشایری دیده میشود، که تولید در آن عمدتاً مبتنی بر دامداری است.

این قبایل در پاره‌ای از مناطق مانند فارس، بنام ایل، و در قسمت دیگر، مانند خوزستان، بنام عشایر، و در بلوچستان بنام طوایف، و در بعضی از نواحی نیز تیره نامیده میشوند. بخشی از این قبایل ساکن و بخش دیگر متحرک‌اند و بی‌سابقه قشاق میکنند و زندگی چادرنشینی دارند.

در بعضی از نواحی ایران، مثلاً در کردستان و سرکن‌صحرا و لرستان، قبایله گسترده ساکن شده‌اند، ولی تولید آنان عمدتاً مبتنی بر زراعت است و ساخت قبایله‌های آنان همچنان محفوظ مانده است، تنها در سیستان و فارس، قبایلی که به فارسی تکلم میکنند، دیده می‌شود. بقیه قبایله‌ها به زبان دیگری مانند ترکمنی، کردی، لری، ترکی عربی سخن می‌گویند.

جمعیت عشایر ایران راه که به صورت چادرنشینی زندگی میکنند، و به‌بازر دیگر، بی‌سابقه و قشاق دارند، حدود ۲۰۰ هزار خانوار تخمین می‌زنند. ولی جمعیت قبایلی که ساکن هستند، ولی ساخت ایلی خود را حفظ کرده‌اند، بالغ بر یک میلیون خانوار میشوند.

اقتصاد حاکم در بین دوستان هزار خانوار (۱ میلیون تن)، عمدتاً مبتنی بر دامداری است. این خانوارها با فقر زیاد روبرو هستند، و اغلب در حالت حرکت از بیلاق به قشاق‌اند، و در سرما و گرما زیر چادر زندگی می‌کنند.

هر خانوار بطور متوسط مالک ۱۰

عمدتاً برخود مصرفی است. گاهی هم برای جبران کمبود بودجه و نجات خانواده، غارت دهات و تولیدات روستایی که در مسیر گذر قرار دارد، اساس کار قرار می‌گیرد. گاه و بویژه هنگام خشکسالی و سوخته شدن مراتع، عشایر سر راه خود، در کشتزارهای دهقانان کم‌زمین و مزارع دهقانان خرده‌پا نیز دامها را می‌چرانند و کشت را نابود میکنند. عشایر فقیرتر از دهقانان کم‌زمین‌اند، و نه تنها توسط قهر طبیعت در معرض خطر قرار می‌گیرند، بلکه توسط سلف‌خران شهرک‌ها نیز چپاول میشوند.

در گذشته، در مواقع بروز خطر و هنگام باج‌گیری‌خانی و کلاتران از دولت‌های مرکزی، به لحاظ حاکم بودن ساخت ایلی بر جامعه عشایری و نیرومند بودن ویژگی‌های پند-سالاری، همواره عشایر تبه‌دست نکرزی گوشت دم تسوپ و آماج گل‌وله‌ها قرار می‌گرفتند و قربانی منافع خانها می‌شدند و هنگام قدرت دولت‌ها نیز، بجای خوانین، قتل‌عام می‌شدند.

بررسی جنگهای عشایری در ایران نشان میدهد که، نباید هرگز ایل را، که ساخت معینی دارد، با رئیس ایل (خان) اشتباه کرد. خان اغلب در رأس قبیله قرار می‌گیرد و وظایف اداره ایل را بر عهده دارد. در قدیم زمینها و مراتع ایلی در مالکیت قبیله بود و نه در اختیار خان. بعداً خان یا خانهای کوچک (کلاترها)، اراضی قبیله‌ها را بالا کشیدند و مالک و زمیندار شدند و ایلات تبه‌دست ماندند. بنابر این نباید همه را با یک چوب‌راند و کاری انجام داد که عشایر را دچار شوند، تا بصورت عساکر خوانین درآیند و از منافع آنان دفاع کنند. اما عشایر و ایلاتی که عمدتاً ساکن هستند، ولی ساخت ایلی خود را حفظ کرده‌اند، در نظام اقتصادی که مبتنی بر تولید زراعی و دامی است، بسر می‌برند. این عشایر به صورت دهقانان تبه‌دست و خرده‌پا و مرفه در روستاها زندگی میکنند. حیات عشایر تبه‌دست فرق چغتایی با زندگی دهقانان تبه‌دست ندارد. این عشایر توسط سلف‌خران از یک سو، و بوسیله بزرگ‌مالکان (خان-های سابق) از سوی دیگر، مورد بهره‌کشی قرار می‌گیرند. کم‌آبی و اندک‌بودن زمینهای زراعی آنان، که بطور متوسط کمتر از ۲ هکتار است،

نقل و انتقال دام دیگران را هم می‌برد و زیاد میکند شریک‌میشود، بزرگ دامدار، که گاه‌گاه هزار دام دارد و اغلب خانواده‌اش حرکت میکند، و چه بسا با حدود ده هزار گوسفند برآه می‌آیند. بزرگ‌دامداران البته چوپانهای برای نگهداری دارند و اگرچه خودشان هم همراه هستند، ولی عده زیاد دامها را تنها با بخدمت گرفتن چوپان‌های متعدد میتوان نگهداری کرد.

بزرگ‌دامداران از اغلب امکانات دولتی، و منجمله علوفه و دام و اجاره مراتع، استفاده میکنند و میتوانند به بهره‌کشی از چوپانها و مزدبدها بپردازند. چه بسیار دیده میشود که اهالی عشیره را به بیگاری نیز وامیدارد.

برای حل مسائل اجتماعی و اقتصادی عشایر و قبایل باید در جهت منافع طبقاتی زحمتکشان تصمیم گرفت و ظلم و بهره‌کشی را، که بنحوی کاملاً مشخصی در محیط عشیره‌ای مطرح است و آمیخته با بقایای نیرومند نظامات پدروسالاری سنت‌های وابستگی عشیره‌ای و خویشی است، ریشه‌کن کرد.

بدون چنین برداشتی، مسائل رفاهی و زندگی روزمره عشایر را نمیتوان حل کرد و ارضه اسفبار برخورد‌های درون‌ایلی یا بین عشایر و دهقانان سر راه راه، که دیگر در جامعه انقلابی ما قابل توجه و قابل قبول نیست، نمیتوان از بین برد. در بین عشایر از بهداشت خیری نیست. مدرسه نمیتواند وجود داشته باشد. از درمانگاه و پزشک نیز اثری نمیتوان یافت. در این جامعه تولید

آنچه نباید کرد

صحنه زندگی و کار عشایر از نظر سوت-الجیسی و امکانات ضدانقلاب برای رسوخ و تحریک و آتش افروزی، صحنه بسیار مهم حیاتی است. باید آنرا از چنگ‌عمال امپریالیسم بدر آورد. تنها راه قلمی و بنیادی رسیدن به این هدف، تحمل بنیادی و واقعی مسائل عشایر است تا بتوان ۶ میلیون افراد عشایر و قبایل را با تمام قلب و روح در کنار انقلاب و مدافع انقلاب قرار داد. از درسهای منفی رژیم گذشته باید آموخت، باین معنا که، بنحوی خلقی وبا برداشتی یکلی تازه، با این مسائل بر-خورد کرد و آنها را در عمل و بسود زحمتکشان عشایر و از راه کوتاه کردن دست خوانین و زورگویان و چپاولگران با احتراز از هرگونه دغل‌کاری دست‌گاه آزاری و انتظامی، که اعتماد عشایر را از ارگانهای دولتی و نهادهای انقلابی سلب کند، حل نمود.

روز چهارشنبه بیستم مرداد ماه، روبرتازی را زیر عنوان «تندیس‌های دره»، از زندگی و کار عشایر قشاقی چاپ کردیم، که خواننده‌اید. تندیس‌ها ساخته و پرداخته نظام ظلم و بهره‌کشی هستند. انقلاب ما باید بتواند آنها را بموزه‌ها بسپرد. انقلاب ما باید بتواند بجای آنها پیکره‌های شکوفاي انسانهای پر امید و سربلند و بیروز را بسازد.

عیدیه و حیاتی آنها طبق برنامه معین و بطور جدی مطالعه و حل شود.

رضاخان دستور میداد که بر روی چادر سیاه عشایر چلوار سفید بکشند. محمد رضا بهنگام مضحکه «چشمنهای» ۲۵۰۰ ساله کلیه چادرهای عشایر را بزور زاندازم از خلسیر شیراز - تخت جمشید - پاسارگاد و اطراف برچید، تا حتی با هلیکوپتر هم چادرهای سیاه در کشور انقلاب سفید (!) دیده نشود.

رضا خان بزور سرریزه، زیر عناوین اسکان و تخت‌قاویو، توده زحمتکش و اسیر عشایر را زیر شدیدترین فشارها قرار داد. در زمان محمد رضا نیز خانه‌های گلی اسکان مدرن (!) عشایر، در سرحد چهار دانگه، در همان زمستان سال احداث بر سر محرومان عشیره خراب شد.

انقلاب پدوران پهلوی‌های فاسد و چنایتکار وابسته به بیگانه و خدمتگزار چپاولگران ختمه‌چاه، انقلاب باید به پدوران برخورد‌های سطحی، یا موزرانه یا ظاهر-سازی، یا غارتگرانه، یا سرکوب‌گرانه یا مسائل عشایری نیز خاتمه دهد.

حیاتی داشت که بدانند در درون ایلات چه میگذرد، و چه بسا که بچه‌های خان‌ها را بدین‌منظور بخدمت می‌گرفت و آنها را از بودجه سازمان برنامه تغذیه میکرد، تا پرورنده خالی نماد.

از طرح جنگل‌بانی، نیز رژیم علیه‌عشایر استفاده میکرد، مبادا هسته جنگلهای چریکی ایجاد شود و تغییر مکانها همیشه زیر نظر گرفته میشد.

روش رژیم گذشته در برابر عشایر از سرشت آن مایه میگرفت. غارت و دزدی از یکسو، جاسوسی و ساواک‌بازی اینسوی دیگر، دو جنبه اساسی آن بود. آن رژیم نظری به‌حل مسائل واقعی عشایر نداشت. جامعه انقلابی ما، که یکسره به‌ظنوت و روشهای طاغوتی میخواهد پایان دهد و شالوده برخورد خود را بر حقوق مستضعفان و منجمله زحمتکشان عشایر و اعتلای واقعی و سالم اقتصاد کشور قرار دهد، باید یکلی از آنچه در گذشته میشد، احتراز جوید.

۶ میلیون عشایر ایرانی تشنه تحول بنیادی هستند. آنها بحق انتظار دارند که مسائل

از او خواسته میشد، گزارش مرتب از وضع عشیره و زوجیه افراد و عقاید و عمل آنها.

«سازمان دامداران متحرک» در منابع طبیعی، اگر کاری کرده باشد، موهون ابتکار و فعالیت فردی بوده و کارآمد در حد حمام‌کنه، برای زردن گنه از حیوانات بوده است. تازه حمام مربوطه بر شباخت به‌آثار باستانی نیست. بودجه این سازمان هم وسیله‌ای برای سرکردن جیب‌های گردانندگان عالی‌رتبه میشد.

طراحان مدرن هم وقتی برنامه‌ای را «بیاده» میکردند، کاری جز کپی‌کردن فرمولهای کشورهای دیگر، آنهم نه کشور های کم‌ریش مشابه ما، بلکه کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری (سفر به آنجاها و مطالعه!)، البته جالب‌تر بود! انجام می‌دادند. مثلاً یکی از طرحهای عشایری در ایران، درست نسخه بدل کامل و بدون تغییر یک طرح استرالیایی بود!

«سازمان برنامه» در بخش عشایری خود، کازل دیگری بود برای بالا کشیدن بودجه‌های اختصاصی و درعین حال وسیله جاسوسی در درون عشایر. برای ساواک اهمیت

در واقع تمام تدابیر و برنامه‌هایی که رژیم گذشته برای عشایر تدوین و جام شد، یا بمنظور خفه کردن صدای تم و اعتراض زحمتکشان عشایر، یا ای ظاهرسازی و یا وسیله چپاول و پول جیب زدن بوده است. اگر مناسبت‌های شخصی و پراکنده عده‌ای افراد دولسوز، بن‌دوست و انسان‌دوست راه، که یکلی جهت‌عکس «تدابیر شاهانه» عمل میکردند، از بگذاریم و برخی از خود گذشته‌های فداکاریهای معلمین یا دامپزشکان یا نگران راه، که حساب بکلی جداگانه‌ای برنامه‌های رژیم گذشته دارند. در نظر بریم، هیچ کاری - بطور مطلق هیچ کاری - تأثیر مثبت و بنیادی در وضع عشایر نتواند باشد، در رژیم پهلوی انجام ندادند. ایر تا آنجا که اولاً میتوانستند منبع آمد و وسیله زردی باشند، ثانیاً وسیله کوب و فتنه‌افکن باشند و ثالثاً برای نامه‌های شهبانوی هنرمند (!) عکس و سیالات تهیه کنند، مورد توجه بودند و بی.

سازمان رفاه عشایر، در آبادانی و عسکنی بی‌تداست، جز جاسوس پروری، خبر-ی و تهیه مدرک و پرورنده برای ساواک. کسی که بموازل مربوطه پرداخت میشد، از حقوق یک معلم بوده و کاری که

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

در دومین سالگرد فاجعه سینمارکس آبادان: با اتحاد انقلابی خلق، توطئه‌های امپریالیسم امریکار افسا و سرکوب کنیم

محاكمه و مجازات سریع عاملین فاجعه سینما رگس خواست مردم ایران است.

جنایت هولناک‌شدن و خاطره‌قربانیان بیگناه فاجعه‌سینمارکس را در فریاد های رزم و دلوری خود گرامی داشتند.

دیروز دومین سالگرد سینمارکس بود. فاجعه‌ای که در آن ۱۰۰۰ تن از مردم ایران، در آتش نفرت امپریالیسم نسبت به مبارزات قهرمانانه مردم ایران، سوختند و داغ تنگ دیگری بر پیشانی رژیم وابسته و جنایتکار شاه مخلوع باقی گذاردند.

دو سال پیش در چنین روزهایی عمال جنایتکار شاه مخلوع، این دست‌پروردگان مکتب جنایت و شقاوت امپریالیسم آمریکا، به کردار اربابان هیتلرمنش خود، در سینما رگس آبادان کوره آدم‌سوزی برپا کردند، راه‌های فرار مردم بیگناه را، که به تماشا می‌رفتند، مسدود کردند و با گازهای مسموم که از اسرائیل وارد کرده بودند، بیش از ۱۰۰۰ تن از تماشاچیان سینما را به آتش کشیدند. آنها می‌خواستند که با این جنایت هولناک ضد بشری به خیال خود از سوئی عزم مردم ایران در سرنگونی بساط ظلم و غارتگری رژیم شاه سابق را سست کنند، و از سوی دیگر با انداختن مسئولیت این فاجعه جنایتکارانه بدوش مبارزان فدائیمپریالیست و ترقیخواه ایران،

دیروز دومین سالروز کشتار سینما رگس آبادان و روز تجلی خشم خلق بود. تجلی خشمی که از سینما های سوزان مردم قهرمان مابصورت فریادهای «مرگ بر آمریکا» زبانه کشید و قلب دشمنان انقلاب را آماج شعله‌های خویشت کرد. تجلی خشمی که پس از گذشت ۲ سال از فاجعه کشتار مردم بیگناه در سینما رگس آبادان، هنوز جوشندگی و توفندگی روزهای نخست خود را حفظ کرده بود.

دیروز مردم امروز و آبادان، به دعوت ارگانهای انقلابی شهر، برای عمومی برپا داشتند و طی یک راه پیمایی باشکوه، به سوی مدفن‌سدها تن از مردان، زنان، پیران، جوانان و کودکانی که در آتش جنایت امپریالیسم سوختند، شتافتند. آنان یکپارچه و مسمم بر سر مزار آن عزیزان پیمان بستند که تا نابودی کامل فئودالیسم امپریالیسم آمریکا، تا سرنگونی تمامی عوامل و مزدوران شیطان بزرگ و تا پیروزی کامل انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران ازپا نشینند و مبارزه خود را علیه تمامی دسایس و توطئه‌های شیطانی امپریالیست جنایتکار ادامه دهند. مردم قهرمان خوزستان خواهان محاکمه سریع و انقلابی عاملان این

و شور مبارزاتی خلق در نابودی تمامی عاملین کشتار و شکنجه دوران ۲۵ ساله حاکمیت رژیم شاه سابق است، بلکه نشاندهنده استواری آنان در تصمیمشان برای ثابودی و از هم گسستن تمامی پیوندهای اسارت و وابستگی به امپریالیسم جهانی، به سرگردگی آمریکای جهانخواه است. مسئولین دادگاه انقلاب اسلامی آبادان باید با توجه به این خواست برحق و انقلابی مردم، بدون هیچگونه مسامحه و سستی، دژخیمان را به پای میز محاکمه کنند.

ما در دومین سالگرد فاجعه سینما رگس آبادان، ضمن گرامیداشت خاطره قربانیان آن و ابراز همدردی با بازماندگان این جنایت عظیم، همبای مردم قهرمان ایران خواستار مجازات سریع عاملان آن هستیم و پیمان می‌بندیم که در مبارزه با امپریالیسم جهانی، به سرگردگی آمریکای جنایتکار، را که نقشه‌های توطئه‌گرانه‌اش علیه انقلاب هر روز فزونی می‌یابد، مانند همیشه سندی اتحاد و تقاضای انقلابی باشیم. اتحاد و تقاضی که تنها ضامن غلبه بر توطئه‌ها و برای تثبیت، تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب ایران است.

چشم استقلال افغانستان

مردم افغانستان دیروز جشن استقلال خود را بزرگ داشتند و بدین ترتیب سالگرد پیروزی خود را بر نیروهای بریتانیایی برای شصت و یکمین بار جشن گرفتند. اتحاد شوروی از نخستین کشورهای بود که استقلال افغانستان را بر رسمیت شناخت.

مردم افغانستان اینک به برکت انقلاب دیکمکراتیک سال ۱۳۵۷ و علیرغم مداخله مسلحانه کشورهای امپریالیستی و وابسته و مانوئیست‌های چین، راه نوسازی‌های بنیادی را آغاز کرده‌اند.

استراتژی دیوانگی کارتر کاس‌هال، دبیر کل حزب کمونیست آمریکا، دولت کارتر را بخاطر دادن زدن هیستری جنگ و افزایش سرسام‌آور تولید تسلیحاتی، مورد حمله شدید قرار داد. وی در کنفرانسی مطبوعاتی در «باشگاه ملی مطبوعات» در واشنگتن، استراتژی هسته‌ای جدید دولت را «استراتژی دیوانگی» خواند.

کاس‌هال به تعهد کارتر در سال ۱۹۷۶، مبنی بر کاهش بودجه تسلیحاتی اشاره کرد و گفت که، این بودجه در سال ۱۹۸۱ دورا بر یکبره سال ۱۹۷۶ خواهد بود.

نامه مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دفتر نامه مردم) فعلا در اشغال عناصر غیر مسئول است NAMEH MARDOM No. 312 20 August 1980 Price: West-Germany 8.80 DM France 2 Fr. Austria 8 Sch. England 20 P. Belgium 10 Fr. Italy 350 L. U.S.A. 50 Cts. Sweden 1.50 Skr.

از دواجایی مجدد، ستوالای درباره قوانین طلاق در اسلام مطرح کرد و گفت: «آیا طلاق غیابی بسا اصول اسلام منطبق است؟ اگر بخواهیم ستم و اثرات ستم رژیم پیشین را بر زن ازین بیریم، باید عدالت را در خانواده یاده کنیم. حقوق فراوانی که اسلام به زن داده و در طول هزاران سال متروک افتاده باید به زن برگردانده شود.»

وی آنگاه از وزارت بازرگانی خواست که از ورود اشیاء لوکس و لباسهای گران قیمت از خارج جدا جلوگیری کند. خانم دستغیب همچنین تذکراتی درباره وضع آب و برق داد.

خانم عظیم طالقانی کتابت کرد که در مورد اخراج زنان و بستن مهد کودکها بیشتر دقت شود، چون دشمن سعی دارد بین مردم، بخصوص زنان شایسته برانگیختگی و عداوت ایجاد کند. دولت چنین فکری در نظر ندارد.

آنگاه تاجگردان، نماینده کجساران، درباره چگونگی حادثه انفجار انبار مهمات توضیحاتی داد و آرزو کرد که این بی دقتی، که در ارگانهای اجرائی کاملاً مشهود است، ازین برود. وی گفت: «من از مسئولین میخواهم روشن شود که علت آتش‌سوزی (که باعث انفجار شد) چه بود. شاید زیرباده مسائل دیگری نیز وجود داشته باشد.»

سپس حجت‌الاسلام هاشمی‌رفسنجانی در ارتباط با روز ۲۸ مرداد گفت: «۲۸ مرداد اصولاً مثل اینکه روزنجسی در تاریخ ما بوده است. چهار فاجعه در این تاریخ اتفاق افتاده:

- ۱- کودتای ۲۸ مرداد که ده‌ها سال بعد از آن کودتای آمریکائی و انگلیسی و شمال ایرانی آنها، چه پلاهایی که در این ۴۰ سال برسر مردم ما نیامد،
- ۲- کشتار مردم پایه پارسال در همین روز بود.

۳- فاجعه سینمارکس آبادان که امروز مصادف با سالگردش است. رژیم جنایتکار پهلوی برای چند روز حکومت بیشترش چه جنایتی انجام داد. ما این راهم بحساب اربابانمان، که کودتای ۲۸ مرداد را انجام دادند، می‌گذاریم،

۴- حادثه انفجار انبار مهمات در کجساران.

وی احتمال داد دست جنایتکاری که بقیه جنایات را انجام داده، در این مساله هم باشد. سپس منجر کمیسیون تحقیق گزارش برورنده انتخاباتی گلپایگان و خونسار و اعتبارنامه جعفر توکلی را خواند اعتبارنامه جعفر توکلی، بدلائل انتخاباتی، یا ۹۹ رأی مخالف در برابر ۵۹ رأی موافق و ۳۰ رأی معتن رد شد. در پایان جلسه، حجت‌الاسلام هاشمی‌رفسنجانی اعلام کرد که جلسه علنی بعدی فردا (امروز) ساعت ۹ صبح تشکیل خواهد شد، و در این جلسه اعتبارنامه معین فر مطرح خواهد شد.

بین صفوف متحد خلق در نبرد با امپریالیسم آمریکا در رژیم وابسته‌اش تفرقه بیندازند. تبلیغات بلندگوهای مزدور رژیم گذشته در این جهت بخوبی نمایانگر مقصود پلید این سیه‌دلان بود. اما با وجود تمامی این فعالیتها، نقشه آنان با شکست مواجه شد و «درایتناکه» شاه سابق، برخلاف انتظارش، بدل به آوار میبوی گشت، که بر سر او و رژیم فاسد و مزدور ویران شد.

گورستان آبادان، که رژیم می‌خواست از آن صدای نوحه و ناله بازماندگان فاجعه برخیزد، انکاس دهنده خشم و نفرت خلق گشت.

در جلسه علنی دیروز مجلس

چرا باید همکاران بختیار و کسانیکه در خارج علیه انقلاب کار میکنند، هنوز هم حقوق بگیرند؟

نماینده فسا: کوتاه کردن دست امپریالیسم بسیار با اهمیت است و باید تداوم پیدا کند

نماینده کجساران: علت آتش‌سوزی، که منجر به انفجار شد، باید روشن شود

حداقل مساله مدرسه است. غالب روستاهای کسی مدرسه شکایت دارند. مساله بهداشت است. بیشتر روستائیان از کمبود و نبودن پزشک و دارو می‌نالند. مساله دیگر آب و برق است. اکثر روستاها از نظر آب آشامیدنی در مضیقه هستند. مساله برق که متأسفانه نه تنها روستاها فریاد می‌زنند، خود شهر هم در مضیقه و فشار است. مساله راه، که این هم از نیازهایی است که جزوهان حداقل شرایط زندگی است. امیدواریم دولت جدید در حل این مشکلات موفق شود و بطور انقلابی عمل کند و گام‌هایی بردارد که نمی‌گوییم از همان سال اول همه مشکلات حل شود، ولی مردم بدانند که مثلاً سه سال دیگر مشکلاتشان حل می‌شود.

آنگاه حججی نماینده میانه، ضمن سخنانی گفت:

«ملت غیور ایران، فراموش نکنیم آرزوهای ما را که ۶۰-۷۰ آمریکائی بر همه شئون ایران مسلط بودند. باشگاه افسران و کاخ جوانان و... لانه فساد شده بود. جوانان ما آلوده به هر وین شده بودند. اما امروز این لانه‌های فساد برچیده شده و مشتریان «اشرف» ترک‌اعتیاد کرده‌اند.»

وی سپس ضمن اشاره به نارضایتی مردم، که با نارضایتی طاقوتیان ضربه‌خورده منفت از دست داده فرق دارد، از مقامات مسئول خواست که به مشکلات مردم رسیدگی کنند. وی افزود: «امیدواریم دوباره زنجیر عبودیت و رقیت را به گردن این ملت انقلابی نزنند. اینهم مربوط است به فداکاری ما. ما باید انقلابیان را حفظ کنیم.»

وی آنگاه از مقامات مسئول سؤال کرد: «اموالی که پس از پیروزی انقلاب مصادره شده است، کجاست؟ افرادی که خارج از کشور از حقوق بازنشستگی استفاده می‌کنند و ضدانقلابی هستند، بطور کلی افرادی که با بختیار بی‌اختیار همکاری میکنند، چرا باید حقوق بگیرند؟»

حججی آنگاه به مشکلات حوزه انتخاباتی اشاره کرد و از مسئولین خواست که نسبت به حل آنها اقدام کنند. وی افزود: «در تظاهرات پیش از انقلاب ۴ شهید»

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی

که در ساعت ۹ صبح بریاست حجت‌الاسلام رفسنجانی تشکیل شد، وی در رابطه با سالگرد فاجعه سینما رگس آبادان گفت:

«امروز سالگرد فاجعه سینما رگس آبادان است. من به نمایندگی از طرف نمایندگان مجلس شورای اسلامی به بازماندگان شهیدای سینما رگس آبادان تسلیت می‌گویم.»

آنگاه دکتر احمد بهشتی، نماینده فسا، بعنوان نخستین ناطق پیش از دستور گفت: «در روزنامه‌های ۳-۴ روز گذشته مطلبی به چشم می‌خورد، حاکی از اینکه کارتر در روز عید فطر برای مسلمانان آمریکا پیامی فرستاده است و فردیناند هارگوس دستور داده وزارت امور مربوط به مسلمانان تشکیل شود و در کارابلانکا کنفرانسی قدس تشکیل شده. این جریانات نشان می‌دهد که دشمن اول می‌خواهد در میان توده مردم مشروعیت کسب کند و بعد بتواند به ما ضربه بزند. مقارن همین برنامه‌ها می‌بینیم از طرف مفتیان عالم تسنن (یکی از نمایندگان تذکر داد که بعضی از مفتیان در کشورهایی نظیر مصر) مسئله تکفیر مطرح می‌شود، تسنا از این راه بتوانند احساسات مردم مسلمان خارج از کشور را نسبت به انقلاب جریحه‌دار کنند. من معتقدم خود این جریانات نشان می‌دهد که موقعیت ما موقعیت حساس و پراهمتی است و اگر چنین نبود، نه مسئله تکفیر مطرح بود، نه پیام کارتر در روز عید فطر، و نه مسائل دیگر. بنابراین باید توجه کنیم در این موقعیت حساس نه تنها نباید اسباب تضعیف انقلاب را فراهم کنیم، بلکه بسا وحدت و هماهنگی و اخلاص عمیق در این راه گام برداریم و به پیش برویم. وظیفه ماست که قدر خودمان و انقلابیان را بدانیم و اینک که در آستانه تشکیل کابینه هستیم، توجه بکنیم که چه نیازهایی در درجه اول اهمیت قرار دارد. مساله کوتاه کردن دست امپریالیسم بسیار اهمیت دارد. منظورم آنست که این مساله تداوم پیدا کند، مساله دیگر قطع ایادی استثمار در داخل مملکت است. مساله دیگر عدم توجه به رابطه و توجه عمیق و دقیق و هشیارانه به ضابطه‌ها. مساله مهم دیگر مساله امنیت اجتماعی است، که متأسفانه در گوشه و کنار مملکت با این مشکل روبرو هستیم و می‌بینیم که دشمن از راههای گوناگون امنیت ما را مورد هدف قرار داده و می‌کوشد امنیت ما را در معرض خطر قرار دهد.»

وی افزود: «مساله مهمی که الان باید به آن توجه شود، این است که ما باید حداقلی برای زندگی مردم مملکت‌مان به خصوص در روستاها تعیین کنیم. اکثر جاهایی که من سرکشی کرده‌ام، تمام صحبت همین حداقل شرایط زندگی است و خوشبختانه مردم کمک شخصی نمی‌خواهند. نیازها عموماً اجتماعی است و بر محور حداقل زندگی دور می‌زند. این

مجلس شورای اسلامی، که در ساعت ۹ صبح بریاست حجت‌الاسلام رفسنجانی تشکیل شد، وی در رابطه با سالگرد فاجعه سینما رگس آبادان گفت: «امروز سالگرد فاجعه سینما رگس آبادان است. من به نمایندگی از طرف نمایندگان مجلس شورای اسلامی به بازماندگان شهیدای سینما رگس آبادان تسلیت می‌گویم.»

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود